

## مقاومت پیر و زاست

اوضاع بحرانی رژیم آخوندها و بن بستى که این رژیم در حوزههای مختلف بدان گرفتار است هر روز آشکارتر و به اشکال مختلف خود را نشان میدهد. رویدادهایی که طی دو ماه گذشته در همین ماتمغی افتاد، صحت این امر که بحران کنونی جامعه بسک بحران انقلابی است را بازم ثابت نمود. بحران اقتصادی و گرانى سرسام آور، نارضایتی مردم، جدال شدید و مستمر در هیئت حاکمه، سرکوب تریان مردم توسط رژیم، بن بست در مساله جنگ و صلح و... اینها مواردی هستند که هر روز به اشکال مختلف خود را نشان میدهند. در همین ماه گذشته تظاهرات چندى از طرف مردم علیه رژیم آخوندی صورت گرفت که بعلى گسترده بودن ابعاد آن حتى خود رژیم هم با تحریف شکل و مضمون آن، بدان اعتراف نمود. وقتی زیر سوزن نيزه عريان رژیم، مردم طی چندین ماه گذشته، بارها خشم و نارضایتی خود را در شکل تظاهرات خیابانسی نشان داده اند، می توان فهمید که عمق و وسعت بحران و سرکوب در جامعه ناچه میزان است و مهمترین از آن میتوان درک کرد که چرا رژیم نمیتواند هیچگونه اقدام موثری در جهت حل مسائلی که جامعه بدان دچار است انجام دهد. نزدیک به دو سال است که رژیم خمینی، آتش بی در جنگ ایران و عراق را با لاجبار پذیرفته است. طی این دو سال رژیم در زمینه مساله جنگ و صلح و مساله بازسازی که دو محور اساسی ساری رژیم است کاری انجام نداده است. نامه های بیادلسه شده اخیر از طرف رئیس جمهور عراق و کردانندگان رژیم، آخرین تلاشها، طی دو سال گذشته برای قطعیت بخشیدن به مساله جنگ ایران و عراق و پایان دادن به حالت نه جنگ نه صلح است. رژیم خمینی در جنگ شکست خورده است و می خواهد بنهای این شکست مفتضحانه را ببردازد. از این جهت چاره رادر سرکوب مردم و آوزان شدن به قای غرب بطور کلی و امریکا بطور مشخص تشخیص داده است. اما این راه حل از آنجا که با منافع تمامی باندهای درونی حکومت همخوانی ندارد با کارشکنی های بسیاری روبه رومیشود که تاکنون در بن بست کامل مانده است. آخرین مانوری که باند حاکم به سردمداری رفسنجانی برای آزمایش رقبا انجام داده است، انتشار مقاله "مذاکره مستقیم" در روزنامه اطلاعات ۶/۲/۶۹ به قلم عطاء الل... سهاجرانی، معاون رفسنجانی در امور قضایی و پارلمانی است. این اقدام چنان جنجالی بپا کرد و چنان باندهای درون رژیم را بجان هم انداخت که در نوع خود بی سابقه بود. این مقاله سبب آن شد که گرگهای گرسنه درون رژیم آنچنان یکدیگر را افشاء کنند که حتی "ولی فقیه" در مانده و پوشالی، مجبور شود یکبار به نویسنده مقاله

در صفحه ۷

## دکتر کاظم رجوی شهید عالیقدر حقوق بشر



وی يك سرباز فداکار ارتش صلح و آزادی در عرصه فعالیت بین المللی بود و کینه رژیم خمینی و بخصوص دارو دسته جنایتکار رفسنجانی نسبت به وی بارها توسط مزدوران و انبادهای تروریست رژیم آخوندها که در مجامع بین المللی شرکت می کردند، ابراز می شد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

### خاکسپاری دکتر کاظم رجوی

در صفحه ۹

## "ماتاریخ حقوق بشر را با خون هایمان می نویسیم"

دکتر کاظم رجوی

### درسوگت عاشقی بیقرار

مهدی سامع

اندکی از ساعت ۷ بعد از ظهر روز سه شنبه چهارم اردیبهشت گذشته بود که خبر ترور دکتر کاظم رجوی را دریافت کردم. ابتدا شوکی همراه با ناباوری به من دست داد. سعی کردم به اعصاب خود مسلط و هیجان درونی ام را کنترل کنم، نیاز شدیدی داشتم که بگریم، اما نمی توانستم. سعی می کردم خودم را قانع کنم که پس از یکی دو روز به وضع عادی برمی گردم، اما پس از گذشت چند روز، التهاب و هیجان درونی ام افزایش می یافت. درگردهمایی اعتراضی پاریس سعی می کردم کمتر به عکس او نگاه کنم و به مطالبی که سخنرانان می گفتند کاملاً توجه کنم. اما نتیجه این جدال بی حاصل این بود که فقط چند جمله گوشه سخنان در ذهنم نشست. چند ساعت بعد از گردهمایی مطلع شدم که روز دوشنبه دهم اردیبهشت جسد دکتر کاظم را بر طبق وصیت خودش در کنار شهدای عملیات فروغ جاویدان در کربلا بخاک می سپارند. متأسفانه نمی توانستم در این مراسم شرکت کنم و رفیق زینت به نمایندگی از طرف سازمان برای شرکت در مراسم خاکسپاری به عراق رفت. این فکر که وضع درونی ام به زودی عادی خواهد شد، در مقابل، يك نیاز درونی برای فکر کردن درباره او که ذهن مرا شدیداً بخود مشغول کرده بود، تسلیم شد. تصمیم گرفتم تا

در صفحه ۱۲

### چشم انداز نه جنگ نه صلح

در صفحه ۸

### پیام مسئول شورای ملی مقاومت

در صفحه ۲

### در رسانه های خبری جهان

در صفحه ۶

### مسائل نیکاراگوئه

در صفحه ۱۰

### اخبار و رویدادها....

در صفحه ۱۲

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، درگذشت پسر آقای پرویز خزائی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در اسکانیماوی را به فامیل و بستگان خزائی و به آقای پرویز خزائی تسلیت می گوید.



## پیامهای تسلیت

در رابطه با شهادت دکتر کاظم رجوی

جنبه دموکراتیک ملی ایران در رابطه با شهادت دکتر کاظم رجوی در تاریخ ۶۹/۲/۵ اعلامیه‌ای صادر نمود. «ارتدادی اعلامیه آمده است: "رژیم تروریستی خمینی، دیروز یکبار دیگر چهره گریه خود را در سوخته‌های دانشنامه‌ای که منجر به شهادت آقای دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در ژنو امقر اروپایی ملل متحد شد، به معرض دید جهانیان گذارد." همچنین در این اعلامیه آمده است: "ارتقاء مقاومت عادلانه و مردمی، شعلهور شدن مبارزات تودمی و ورشکستگی اقتصادی و اجتماعی و بیس - المللی رژیم از یکسو و بحران هویت ناشی از تضاد ذاتی اش با تمدن معاصر از سوی دیگر و بالاخره تضاد داخلی روز افزون پس مانده‌های خمینی، صدور تروریسم را تشدید کرده است تا رژیم بتواند سرنوشت محنوم خود را با امیدوار کردن "امت حزب الله" و سرپا نگهداشتن آن، چند روزی به تاخیر اندازد. اما جنبش مقاومت انقلابی با اتکا به اراده مردم ایران و با حضور محکم ارتش آزادی بخش ملی ایران برای حراست از حیثیت و اعتبار انسانی و تاریخی ایرانیان با بهره‌مندی از انواع شیوه‌های مبارزه، در راه ناسین سعادت ملت ایران از حرکت باز نخواهد ایستاد و معاملات و زده‌بندی‌های آشکار و پنهان در صحنه بین المللی، با شرق و غرب، ترور و سرکوب و شکنجه مانع و رادعی برای تحقق نابودی این رژیم ایجاد نخواهد کرد. مردم ایران سپاه آزادی از قید حکام خوسریز را با جان عزیز هزاران شهید و حمی و زجر و تبعید دهها هزار نفر از بهترین عزیزان خود پرداخته‌اند و تا کنون ریشه فساد و ویران کردن نظام چهل و جنایت و استقرار حاکمیت مردم به مقاومت عادلانه خود ادامه خواهند داد»

با شهادت این مبارز آگاه، ملت ایران یکی از فرزندان لاق خود و شورای ملی مقاومت یکی از هنسنگران با ایمانش را از دست داد. جنبه دموکراتیک ملی ایران، این شایعه را به تمام گوشندگان راه آزادی و استقلال ایران، به ویژه آقای سعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، صادر و محسّر شجاع و فرزندان و برادران مبارز زنده یسناد دکتر کاظم رجوی تسلیت می‌گوید»

### پیام تسلیت

بدینال ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی از طرف ما سوسنا شیخ مرادلین حسینی پیام تسلیتی برای مسئول شورای ملی مقاومت بشرح زیر ارسال شده است:

"جناب آقای سعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران با دروذهای انقلابی، بار دیگر دست پلیس‌دی از آستین رژیم دیکتاتور ولایت قلمه برون جهل و جنایتی دیگر آفرید، ترور ناجوانمردانه یکی از مسئولان برجسته سازمان سجاهین خلق ایران، برادر

## اطلاعیه



رژیم ارتجاعی و تروریستی خمینی با دستور مستقیم رفسنجانی جنایتکار روز ۲ اردیبهشت ۶۹ دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در سوئیس را بشهادت رساند. دکتر کاظم رجوی که به حق از طرف مسئول شورای ملی مقاومت ایران، شهید مبارزه برای حقوق بشر نامیده شد، یکی از برجسته ترین، فعال - ترین و صادق ترین فعالین جنبش مقاومت انقلابی مردم ایران در عرصه بین المللی بود. فعالیت خستگی - ناپذیر او طی ۱۹ سال گذشته علیه رژیم های شاه و خمینی و بخصوص فعالیت ۹ سال اخیر او سبب آن شد که رژیم خمینی بارها در مجامع بین المللی بخاطر نقش حقوق بشر محکوم شود. وی یک سرماز فداکار ارتش صلح و آزادی در عرصه فعالیت بین المللی بود و کینه رژیم خمینی و بخصوص دارودسته جنایتکار رفسنجانی نسبت به وی بارها توسط مزدوران و ابادی تروریست رژیم آخوندها که در مجامع بین المللی شرکت می‌کنند، ابراز می‌شد. وی اخیرا چندین بار از طرف دیپلمات - تروریست های رژیم خمینی تهدید به مرگ شده بود. دولت سوئیس نیز با آزادی عملی که به تروریست های رژیم خمینی داده است، مسئولیت بزرگی در قبال عمل ننگین ترور دکتر کاظم رجوی دارد. ما اکیدا از دولت سوئیس می‌خواهیم که مسئولین این جنایت ننگین را که در سفارت رژیم آخوندها، مستقر هستند را بازداشت و محاکمه نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، با ابراز تاسف فراوان، شهادت دکتر کاظم رجوی، این قهرمان مبارزه برای حقوق بشر در ایران را به هسر و فرزندان دکتر کاظم رجوی، به آقای سعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران، به خانواده رجوی و به مردم ایران و نیروهای مقاومت انقلابی تسلیت می‌گوید. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، تردیدی ندارد که اینگونه اعمال ننگین دارودسته جنایتکار رفسنجانی هرگز نمی‌تواند از سقوط محنوم این رژیم تروریست جلوگیری کند. این رژیم ارتجاعی و تروریست سرانجام بدست مدافعان پیگیر صلح و آزادی سرنوین خواهد شد. یاد و خاطره دکتر کاظم رجوی، همچون هزاران هزار زن و مرد آزادهای که در این یکبار عظیم شرکت کرده و بشهادت رسیده‌اند، هرگز فراموش نخواهد شد. دکتر کاظم رجوی در قلب مردم ایران زنده خواهد ماند.

گرماس یاد خاطره دکتر کاظم رجوی شهید قهرمان حقوق بشر در ایران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۳۶۹ / ۵ / اردیبهشت

### پیام تسلیت

سعود عزیز، خبر کوتاه بود و جگر سوز، دکتر کاظم رجوی، نماینده شورا در سوئیس و مبارز دیرینه راه آزادی و حقوق بشر برای ایران به نیر تروریسم رژیم خمینی جان باخت. دلماں خون و چشم ماں پراشک، عزم ماں جزم و تا آخر در راهی. جنایتکاران حاکم سر سپهن امیرمان برادری عزیز از تو و پاری ارجمند از جنبش مقاومت را ربودند. دکتر کاظم، شهید بزرگ حقوق بشر شد و مردم ما شاهد جوهره جنایت بار رژیم که از قضا در حیوجه بندهاندازی و مشاطه گری و گزارش گالیندویل "حتم واقعی خود را می‌ساید. در تمام شریک، به تو و تمام اعضای خانواده عزیز رجوی صمیمانه تسلیت می‌گویم." گرم قمم

ارجمند شما دکتر کاظم رجوی موجب تاسف عمیق گردید. در شرایطی که در سراسر جهان تحولات ژرفی در جریان است و دیکتاتوران و خودکامگان از سربس قدرت به خالک مذلت می‌افتند و دنیا به سوی دمکراسی و عدالت اجتماعی به پیش می‌رود، این ترورهای ناجوانمردانه از سوی رژیمی که در شرایط سقوط افتاده، دلیل دیگری بر استحاله و سردرگمی هر چه بیشتر این رژیم مرتجع و خونخوار است. مراتب تسلیت خود را بمناسبت این حادثه تاثیر انگیز به آن جناب و سازمان مجاهدین خلق اعلام می‌دارم. روانش در ملکوت اخلا، شاد باد.

### تظاهرات هوطنان مبارز در محکومیت ترور دکتر کاظم رجوی

بدینال ترور دکتر کاظم رجوی، گروههای کثیری از هوطنان ما در شهرهای نیویورک، ژنو، بن، لندن، باریس و استکهلم دست به تظاهرات زمه واز دولست سوئیس معرانه خواستار دستگیری و مجازات ترور - یست هایی که دکتر کاظم رجوی را بشهادت رساندند، گردیدند. تظاهرکنندگان که شعارهایشان در محکومیت تروریسم و جنایات ضد بشری رژیم قرون وسطایی و ولایت فقهی حاکم بر میهن ماں مورد استقبال شد. شهروندان کشورهای مربوطه قرار گرفت، همچنین از دبیر کل ملل متحد خواستند "ناشمن توجه به مسئولیت سنگین خود در قبال گزارش سخوش وی اعتبار گالیندویل که با اعطای دسته گل به آخوندهای جنایتکار موجب جری ترشدن آنها در تعقیب سیاست شکنجه و اعدام تروریسم شده است، گزارش جمعی را بجای گالیندویل برگمارد و گزارش آکنده از دروغ گالیندویل را سرود اعلام نماید". شرکت کنندگان در این تظاهرات خاطره شهید بزرگ حقوق بشر و مقاومت ایران دکتر کاظم رجوی را گرماسی داشتند. این تظاهرات روز ۷ اردیبهشت ۶۹ سال و سه روز بعد از ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی صورت گرفت.



اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

از آلمان شرقی و غربی می‌خواهد پیش از تجدید وحدت خود، مرزهای کنونی لهستان در امتداد رودخانه اودرونیس را غیرقابل تغییر بشناسد و رسماً اعلام دارند که آلمان پس از وحدت خود هیچگونه ادعای ارضی در لهستان نخواهد داشت. میکول وزیر خارجه آلمان شرقی می‌گوید: دولت متبوع اودرنظر دارد هر آنچه را که لهستان بهترین راه حل می‌داند، بپذیرد."

وانگلی، دبیرکل حزب کمونیست ویتنام در مراسم یازدهمین سالگرد پیروزی ویتنام در جنگ با آمریکا، خواستار برقراری روابط میان واشنگتن و هانوی شد. وانگلی گفت: این کشور قصد دارد دخالت آمریکا در جنگ ویتنام را فراموش و با آن تجدید رابطه کند. وی همچنین خواستار پایان دادن به تحریم تجاری آمریکا علیه ویتنام شد.

رادیو آمریکا در برنامه روز ۶۹/۲/۱۰ خود از قول روزنامه واشنگتن پست گفت: "فریب شکست شمون پرز در تشکیل دولتی جدید، روابط آمریکا و اسرائیل با پایان ترین سطح خود پس از اوایل دهه ۱۹۸۰ رسیده است. اختلاف نظرهای واشنگتن و بیت المقدس بر سر مسائلی از جمله ایجاد آسایشی های یهودی نشین در مناطق اشغالی، موقعیت سیاسی بیت المقدس و نقش سازمان آزادیبخش فلسطین در روند صلح است. شامیر نخست وزیر موقت بسیاری از هواخواهان او را این باورند که اعضای دولت بوش سعی کرده‌اند موقعیت دولت وی را تضعیف کنند تا بهر جای او را بکشور - مقامات آمریکایی ضمن تکذیب این اتهامات می‌گویند "نخست وزیر اسرائیل با ارائه طرح صلحی که قصد انجامش را نداشته، آنان را قریب داد."

پلیس سوئیس روز ۶۹/۲/۱۳ اعلام نمود که دو تن از فائولان دکتر کاظم رجوی را شناسایی کرده و اساسی آنان را بدالله صمدی و محمد رضوانی اعلام نمود. افشای این دوتورریست که وابسته به رژیم جمهوری اسلامی هستند، بخوبی نشان می‌دهد که ترور دکتر کاظم رجوی توسط رژیم آخوندها طرح ریزی و اجرا شده و دولت سوئیس باید بطور صریح و آشکار اقدام تروریستی رژیم خمینی را محکوم نموده و سحریان این جنایت را مستکبر و سجاجات نمایند.

دفتر مجاهدین خلق ایران در تاریخ ۶۹/۲/۲۴ در رابطه با تظاهرات مردم مشهد اطلاعیه‌ای صادر نمود. در این اطلاعیه گفته شد: "بنا به گزارشات رسیده از ایران، روز پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه جاری چند هزار تن از مردم مشهد که از سرکوب، گرانی سر سام آور و کمبود ابتدایی ترین مایحتاج زندگی به جان

آمده بودند، به پلک تظاهرات اعتراضی علیه رژیم ملایان دست زدند.

این تظاهرات که با تجمع بیش از ۲۰۰۰ تن از ساکنان شهرک امام در خیابان خواجه ربیع مشهد آغاز شد، به سرعت به سایر خیابان های اطراف گسترش یافت. در وحشت از او جگیری این حرکت اعتراضی، رژیم خمینی پاسداران سرکوبگر خود را به محله فرستاد. پاسداران با بستن خیابان های منتهی به محل تجمع، با حمله به تظاهر کنندگان سعی در متفرق کردن آنها داشتند. اما تظاهرات در تمام طول روز ادامه داشت و مردم خشمگین تعدادی خودرو و منجمله پلک اتوبوس دولتی را خرد کردند."

مدعیان دمکراسی

پلنوم فروردین ماه طرفداران کنگره هفتم حزب دموکرات در بخشی از تصمیمات خود پیرامون مقابله با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی اعلام می‌کند که:

" در این رابطه پلنوم به اتفاق آراء اعلام نمود که گروه منحرف از مشی حزب را خائن و سرردور دشمنان جنبش کردستان می‌داند. از همین رو حقوق استفاده از نام پرافتخار حزب دموکرات کردستان ایران را برای آنان نمی‌شناسد و وظیفه حزب می‌داند که تا هنگامیکه دست از این نام برنداشته‌اند از همه امکانات نظامی و سیاسی و تشکیلاتی و تبلیغاتی در برابر آنان استفاده مجمل آورد."

طرفداران کنگره هفتم، آنها را با ادامه جنگ ارتجاعتی شان با کومه نشان داده‌اند که هیچ اعتقادی به دموکراسی ندارند. البته در اینجا "دموکرات" های "جنید" مثل آقایان بابک امیر خسروی، فرخ نگهدار و علی کشنگر که تائیدهای مکرر خودشان را از اقدامات "شد امپریالیستی امام خمینی" ماستمالی می‌کنند. حتی بر اساس اصول "لنین" دمکراسی از این رابطه هم از فن "ماستمالی" کردن استفاده خواهد کرد.

مردم ایران رژیم خمینی درمبادله اسرای جنگی، به اشکال مختلف کار شکنی می‌کند. ما مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را مجبور به قبول مبادله گامسل اسرای جنگی بنمائید.

س ۲ - ۳ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

اطلاعیه دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران:

روز ۶۹/۲/۵، پلک روز بعد از ترور دکتر کاظم رجوی، دفتر مجاهدین خلق در بندهاد اطلاعیه زیر را صادر نمود: "شامگاه روز گذشته آقای سمعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران با ارسال تلگرامی به آقای آرنولد کولر رئیس کنفدراسیون سوئیس، خاطرنشان ساخت که برادرش دکتر کاظم رجوی پیش از شهادت به دست تروریستهای رژیم خمینی در ژنو، بارها با تشریح تهدیداتی که از سوی رژیم ملایان متوجه جان وی بود، از مقامات سوئیس اقدامات حفاظتی و امنیتی لازم را تقاضا کرده بود."

آقای رجوی نوشت: "با ابراز شگفتی و تأثر عمیق نسبت به عدم حساسیت لازم برای حفظ جان نماینده مقاومت ایران که پلک چهره کاملاً شناخته شده مورد تهدید رژیم خمینی در کشورتان بوده است، از سوی مقاومت ایران و همچنین به عنوان برادرش تعقیب، دستگیری و سمرعی و محاکمه عاملان و آمران این جنایت را جدا تقاضا می‌کنم."

رهبر مقاومت ایران خطاب به رئیس جمهور سوئیس اضافه کرد: "با قطعیت و یقین تصریح می‌کنم جنابانی که امروز در کشورتان علیه مردم و مقاومت ایران انجامند با دستور صریح رفیقان جانی و کارگردانی سیروس ناصری سفیر رژیم خمینی در مقر اروپایی ملل متحد انجام شده است. ۸۰ تن از اعضای هیات مقاومت ایران که در ماه فوریه در کمیسیون حقوق بشر شرکت کردند، به عین تهدید سیروس ناصری علیه دکتر رجوی رانیده‌اند و می‌توانند در این مورد در دادگاه شهادت بدهند."

از سوی دیگر مطابق اطلاعاتی که به مقاومت ایران رسیده است برخی از عاملان ترور بعد از ظهر امروز و بعد از ارتکاب این جنایت وارد سرکنسولگری رژیم خمینی در ژنو شدند. مقاومت ایران هم اکنون صدای کریم آبادی سرکنسول رژیم خمینی در ژنو را که بر روی نوار ضبط شده در اختیار دارد که کریم آبادی طی آن در رابطه با ترور دکتر رجوی تصریح می‌کند: "آری، از آن یکی که پیش ما در کنسولگری است خبر داریم." وی اضافه می‌کند که نامبرده مساله

در صفحه ۱۰

**خجسته باد اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!**

کارگران ایران! همه همبستگی کنید، امروز (۱۳ بهمن) روز همبستگی کارگران جهان است. این روز مبارزه علیه استبداد و استثمار را به یاد آوریم و با همبستگی در برابر ستمگران ایستادگی کنیم. کارگران در همه جا، با همبستگی و اتحاد، با همبستگی علیه ستم و استثمار ایستادگی کنند. کارگران در همه جا، با همبستگی و اتحاد، با همبستگی علیه ستم و استثمار ایستادگی کنند.

روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان! روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!

سپهنا - واحد فدایی شهید مطهری است

اطلاعیه فوق توسط رفقای سازمان در ایران در رابطه با روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران منتشر و بخش شده است.



## اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت ایران

رژیم ضد بشری خمینی که صدور تروریزم از خصمیات ذاتی آن است، در قبال بحران های حادثه داخلی و مقاومت عادلانه مردم ایران، راهی جز توسل به اعدام و شکنجه در داخل کشور و ترور در خارج از مرزهای ایران نمی یابد. موارد متعدد آدم ربایی، حملات تروریستی، جنایتکاری و آدم کشی که مستقیماً توسط سردساران و سفارتخانه های رژیم و دیگر مراکز وابسته به آن در کشورهای خارجی انجام شده مستمراً در مطبوعات و رسانه های همگانی جهان منعکس گردیده است. مقاومت ایران از سال ها پیش شبکه های تروریستی رژیم در خارج کشور و نقش سردسارانی مثل رفسنجانی در راهی این شبکه ها را افشا کرده است و اسناد متعددی وجود دارد که نشان می دهد بالاترین مقامات رژیم خمینی در جلسات درونی خود دست برداشتن از صدور تروریزم را به منزله "خفگی نظام" و برگ آن تلقی می کنند. هر قدر این رژیم بیشتر در غرقاب بحران های حاصل از جنگ و سرکوب و برانگیزی اجتماعی فرو می رود، بیشتر به اعدام های وحشیانه و جنایات تروریستی روی می کند، افزایش حملات تروریستی در خارج از مرزهای ایران پس از سرکوب خمینی و روی کار آمدن رفسنجانی و خانهای، ناشی از همین واقعیت است و بر همین حال ضعف و استحصال بقایای خمینی و بطلان اسامه های موهوم در مورد احتمال میانه رو شدن این رژیم ضد بشری را بیش از پیش آشکار می کند. زیرا دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، به همه باند های درونش، جز با توسل به بحران سازی و سرکوب و صدور تروریزم قادر به ادامه حیات نیست و "افقی هرگز کم تر نمی زاید" مبدی است هر گونه انعطاف یا سهل انگاری در قبال جنایات این رژیم و بخصوص باج داندنهایی نظیر گزارش کالیندویل که تحت نام ملل متحد برای بزرگ کورن چهره ای این دیکتاتوری خون آشام تنظیم شده بود، تنها به جری تر شدن رژیم و جنایات باز هم بیشتر آنان منجر می شود. ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی سارز بزرگ حقوق بشر و نماینده شورای ملی مقاومت ایران در سوئیس که مشخصاً به "جرم" ایننادگی در قبال آن گزارش آکنده از تحریف و فروغ و به منظور خاموش کردن صدای او و به عنوان یک مبارز شناخته شده حقوق بشر و استاد مجرب حقوق، بسته دست تروریست های رفسنجانی در خاک یک کشور بی طرف و در مقر اروپایی ملل متحد به شهادت رسید، گویاترین گواهی این حقیقت است. در پی این جنایت و در حالیکه مقامات مسئول سوئیس ردیای فائلان را در مثل محل اقامت دیپلمات های رژیم خمینی پیدا کرده و به تعقیب آنان مشغولند، ارکان های اطلاعاتی و تروریستی رژیم خمینی باز هم به تهدید و زمینه سازی آشکار برای جنایات بعدی پرداخته اند:

کمیته ای، ارکان رسمی خمینی در خارج کشور که به ارکان سارک خمینی معروف است، در آفریقا شماره خود (مورخ ۶۹/۲/۱۲)، با پشت گرمی به گزارش نفرت بار کالیندویل، می نویسد که "در آن گزارش سازمان مجاهدین به عنوان یک گروه تروریستی معرفی و اقدامات آن محکوم شده است." ارکان سارک

خمینی، آنگاه، با توسل به این ترغیب ابلهانه که گویا ترور دکتر کاظم رجوی کار خود مجاهدین است، بسا تاکید بر اینکه "سخن پایانی ما خطاب به غربی ها است"، تصریح می کند: "مقامات کشورهای غربی باید در دفاع از این گروه تروریستی تجدید نظر کنند. بعید نیست دامنه اختلافات داخلی سازمان که به صورت ترور حذف قبضگی بروز کرده در آینده وسعت یابد و تروریزم راه گونه ای دیگر در کشورهای غربی گسترش دهد." این روزنامه، که سخنگوی ارکان های اطلاعاتی و تروریستی رژیم در خارج از ایران است، سپس از مقاصد تروریستی خود پرده برسی دارد و می افزاید: "اگر دولت های غربی خواستار حفظ امنیت کشورشان هستند، بهتر است از فعالیت های تروریستی آنان جلوگیری کنند".

این، یک تهدید کاملاً آشکار است که نشان می دهد رژیم خمینی در حقیقت ضعف و استحصال کنونی اش قصد دارد. بردامنه اقدامات تروریستی خود علیه مخالفان و فعالان مقاومت ایران در خارج از کشور بیفزاید و در عین حال کشورهای غربی را مورد شاننا و فشار قرار دهد، از این پیش تر نیز یکی از آخوندهای رژیم (افزاشی) آشکارا در برنامه ای رادیویی رسمی (به تاریخ ۶۹/۲/۵) تصریح کرده بود: "اینها و ادر هر کجا پیدا کردید بکشید ۵۰۰۰ دشمن ها را باید بشناسید. شماره گذاری کنید: شماره ۱، شماره ۲، شماره ۳، شماره ۴، شماره ۵، شماره ۶، شماره ۷، شماره ۸، شماره ۹، شماره ۱۰، شماره ۱۱، شماره ۱۲، شماره ۱۳، شماره ۱۴، شماره ۱۵، شماره ۱۶، شماره ۱۷، شماره ۱۸، شماره ۱۹، شماره ۲۰، شماره ۲۱، شماره ۲۲، شماره ۲۳، شماره ۲۴، شماره ۲۵، شماره ۲۶، شماره ۲۷، شماره ۲۸، شماره ۲۹، شماره ۳۰، شماره ۳۱، شماره ۳۲، شماره ۳۳، شماره ۳۴، شماره ۳۵، شماره ۳۶، شماره ۳۷، شماره ۳۸، شماره ۳۹، شماره ۴۰، شماره ۴۱، شماره ۴۲، شماره ۴۳، شماره ۴۴، شماره ۴۵، شماره ۴۶، شماره ۴۷، شماره ۴۸، شماره ۴۹، شماره ۵۰، شماره ۵۱، شماره ۵۲، شماره ۵۳، شماره ۵۴، شماره ۵۵، شماره ۵۶، شماره ۵۷، شماره ۵۸، شماره ۵۹، شماره ۶۰، شماره ۶۱، شماره ۶۲، شماره ۶۳، شماره ۶۴، شماره ۶۵، شماره ۶۶، شماره ۶۷، شماره ۶۸، شماره ۶۹، شماره ۷۰، شماره ۷۱، شماره ۷۲، شماره ۷۳، شماره ۷۴، شماره ۷۵، شماره ۷۶، شماره ۷۷، شماره ۷۸، شماره ۷۹، شماره ۸۰، شماره ۸۱، شماره ۸۲، شماره ۸۳، شماره ۸۴، شماره ۸۵، شماره ۸۶، شماره ۸۷، شماره ۸۸، شماره ۸۹، شماره ۹۰، شماره ۹۱، شماره ۹۲، شماره ۹۳، شماره ۹۴، شماره ۹۵، شماره ۹۶، شماره ۹۷، شماره ۹۸، شماره ۹۹، شماره ۱۰۰".

شورای ملی مقاومت ایران توجه اکید دولت ها و مقامات و ارکان های بیگانه بر کشورهای مختلف را نسبت به حفظ جان و امنیت فعالان و نمایندگان مقاومت ایران و عموم پناهندگان سیاسی ایرانی که در معرض تهدیدات تروریستی رژیم خمینی قرار دارند جلب می کند.

مقاومت ایران باز هم خاطر نشان می کند که سفارتخانه ها و نمایندگی های رسمی رژیم خمینی در خارج ایران، مراکز اجرای طرح های تروریستی این رژیم هستند و تسهیلات دیپلماتیک و نقل ایات هوایی را برای تحقق مقاصد و توطئه های رذیله، خود بکار می گیرند.

مقاومت ایران همچنین باز دیگر تاکید می کند که در قبال این دیکتاتوری قرون وسطایی که هیچگاه زبانی جز زبان قدرت را نپذیریده است، تنها و تنها باید قاطعانه عمل نمود و هرگونه سهل انگاری و انعطاف در برابر جنایات این رژیم که با نقض آشکار موازین حقوق بین الملل همراه است، فقط به جری تر شدن او در صدور تروریزم منجر می شود.

از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی یکبار دیگر مسئولیت سنگین سازمان ملل متحد و دبیرکل آن را در قبال گزارش مخدوش و پراز تحریف و دروغی که توسط کالیندویل بنام گزارشگر ویژه ملل متحد تنظیم شده و عملاً در خدمت مقاصد سرکوبگرانه و تروریستی دیکتاتوری خون آشام حاکم بر ایران قرار گرفته است، یاد آور می شوم. نفرت و انزجار مردم ایران و مدافعان راستین حقوق بشر در سراسر جهان را برانگیخته، اکنون این گزارش آکنده از تحریف که به منبعه ای در دست ارکان سرکوبگر و شکنجه گر شناخته شده و به پشتوانه ای برای جنایات و تهدیدات تروریستی

بقایای رژیم خمینی در خارج کشور تبدیل گردیده است. در داخل ایران نیز پیامد بلا فصل آن سربریدن در سلا، عام و اعدام ها و شکنجه های وحشیانه بیشتر بود. منفورترین آمران و عاملان شکنجه - همچون لاجوردی قصاب تهران، آخوند بزدی رئیس قوه قضائیه رژیم و آخوند رئیس دانشگاه با اصطلاح دادگاه های انقلاب - این گزارش را علنی نمودند و در حالیکه با یک دست سر می برینند و شکنجه می کردند، با دست دیگر سرای نویسنده آن دسته گل می فرستادند. این گزارش، که نمایندگان مقاومت ایران آماده اند با سند و مدرک بنیاد توطئه گرانه، اسلوب مخدوش و موارد مشخص تحریف حقایق و جعل و فروغ آن را در هر محکمه ای - منطقی اثبات کنند، لکنی ندگی در تاریخچه منسل متحد و زمینه ساز شکنجه و اعدام بیشتر و ترور اشغال دکتر کاظم رجوی شمرده می شود. از این رو لازم است قاطعانه آن را محکوم کرد و برای زود من آشکارش، گزارشگر جدیدی را با تضمین های منکی، و مشخصاً حضور نمایندگان و مترجمان مقاومت، برای تحقیق در باره نقض حقوق بشر و اعدام ها و شکنجه های رژیم خمینی به ایران اعزام کرد.

با جلب توجه دولت ها و ارکان های مسئول کشورهای مختلف نسبت به مسئولیتشان در حفظ جان و امنیت فعالان و نمایندگان شورای ملی مقاومت و نیز سازمان مجاهدین خلق ایران، یاد آور می کنم که این نه فقط یک مسئولیت حقوقی در قبال جان پناهندگان سیاسی ایرانی بلکه مسئولیت خطیر انسانی و بین المللی در مقابله با منفورترین دیکتاتوری عالم است که سابقه نفرت بارش در جنایات تروریستی عظیمه شهروندان بیگانه خارجی، دشمنی آشکارش با بشریت و انبیز به اثبات رسانده است. رژیم ضد بشری خمینی بی تردید توسط مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی و ارتش آزادیبخش ملی سرنگون خواهد شد. خون های پاک که در راه آزادی ایران و احیای ارزش ها و حقوق انسانی توسط تروریست های اعزامی رفسنجانی و خانهای بر زمین ریخته، می شود خاموشی نمی پذیرد. ایران به آزادی و حاکمیت مردمی دست خواهد یافت و تاریخ و مردم ایران مدافعان حقیقی حقوق بشر را آزاد نخواهند برد.

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

سعود رجوی  
۱۷ اردیبهشت ۶۹

## برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۱

- ۹ ژوئن ۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه جنبه خلق برای آزادی عمان
- ۵ ژوئن ۱۹۶۹ - تاسیس دولت موقت انقلابی در بخش جنوبی ویتنام
- ۲۱ مه ۱۹۷۹ - حمله نهایی جنبه سانه نیست علیه نیروهای نوموزا در نیکاراگوئه
- ۶ ژوئن ۱۹۸۲ - حمله وحشیانه دولت اسرائیل به اردوگاههای فلسطینی در لبنان

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید



## دروسوگ عاشقی بیقرار

از صفحه ۱

هرچه بنظر من رسید روی کاغذ بیاورم. ابتدا با خودم تمغیه حساب کردم که این کار نه بخاطر انجام بیک وظیفه انقلابی و شرح و توصیف خصلت های انقلابی و مردمی او، بلکه قبل از هر چیز بخاطر "بهار خود من" است. وقتی چنین اعترافی از خود گرفتم، دریافتم که راهم کجکم باز شده است. من طی بیست سال گذشته، شاهد شهادت بسیاری از دوستان و رفقایم بوده‌ام. صرف نظر از اینکه آنان چه وابستگی سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی داشتند شهادت آنان مرا متأثر و تحت تاثیر قرار داده بود. در من انگیزه بیشتری برای مبارزه ایجاد کرده بود. اما وقتی خاطره آن عزیزان را بیاد آوردم، دیدم در چند مورد وضعی مشابه وضع فعلی خود داشته‌ام. بیژن جزینی، امیر شمس الدینی و حالا، کاظم رجوی، عجیب برایم این بود که صرف نظر از خصوصیات بیک فرد انقلابی، هیچ وجه مشترکی دیگری نمی‌توانستم برای ایشان پیدا کنم. این وجه مشترک نیز شامل حال همه انقلابیون که در راه آزادی و راهی مبارزه کرده و شهادت رسیده اند می‌شود. بدین لحاظ خود را در جدال مضاعفی درگیر نکردم. ذهنم را متوجه دکتراکتم کردم. او تحصیل کرده سطح بالا، استاد دانشگاه در فلسفه و نویسنده کتب و رسالات متعدد بود، بیک محقق اندیشه مارکسیستی بیک روشنفکر انقلابی، بیک مجاهد جنگی نابینا، حقوق بشر، بیک مبارز سر سخت برای دیکراسی و بیک مدافع استوار جنبش مسلحانه انقلابی، آنهم در سن ۵۶ سالگی. مفردت چنین افرادی با مجموعه ایمن خصوصیات پیدا می‌شوند. فقط استاد دانشگاه در اروپا بودن و از حسن شهرت برخوردار بودن، جاذبه‌های فراوانی برای گذران بیک زندگی بی درد سر دارد. در جلوی چشمم بسیاری از "روشنفکران" رزه رفتند. آنقدر "پخته" و "آموخته" که وارفته و در هم کوفته شده‌اند. بجای اینکه صادقانه اعتراف کنند که دیگر نمی‌توانند آزادی را که دفاع از آن رسالت هر روشنفکر مردمی است، دفاع کنند، به هر جنس و خاستگاهی می‌چسبند تا حفریانه ترین نحوه نمایش خود را نمایش تابیلویی قابل عرضه در بازار "روز" بنمایش بگذارند و آن را در مقابل پایمال نمودن خون شهدای راه آزادی بفروش بفرسایند. کاظم رجوی از اینگونه "روشنفکران" متمایز و اساسا در دستگاه دیگری قابل سنجش است. اما مگر تمامی شهدای راه آزادی و مقاومت انقلابی از این وجه تمایز برخوردار نیستند. هر کدام از آنها در مقامی با هم حرفه‌ای خودشان، پس من بی‌بسیار در این زمینه کنکاش می‌کنم. نقطه گرهی در جاسای دیگریست. این بار به گذشته برگشتم. حدود سه سال قبل، شور و هیجان دکتراکتم بر ابرام قابل درک تر شده بود. بعضی وقتها با هم کپ می‌زدیم، قبل از آن رابطه ما خیلی رسمی بود. او چندبار بمن گفته بود که خیلی خسته بنظر من می‌آید و بد نیست چند روزی بیای ز بس و من هر بار با طرح گرفتاری ها، از دعوت او تشکر کرده و از اینکه نمی‌توانستم بروم عذر خواهی کرده بودم. بهر حال حدود او از سال ۶۶ بود که دکتراکتم بمن گفت مرا می‌بری پایگاه خودتان. گفتم آقای دکتر از نظر امنیتی آن منطقه فعلا چندان مناسب نیست،

بگذارم برای بعد. در آبان ۶۷ و بعد از عملیات فروغ جاویدان باز هم در فاصله تنفس های جلسه شورای ملی مقاومت با هم کپ زدیم. او بمن گفت احساس می‌کنم در تو چیزهایی تغییر کرده است، سپس با صمیمانه ترین حالت گفت، قبلا خیلی خشک بنظر می‌رسیدی. من بشوخی گفتم آقای دکتر من اهل انقلاب کردن نیستم و او بطور جدی گفت سوء تفاهم پیش نیاید. من منظورم این بحث ها نبود، می‌خواستم بگویم که من با تجربیاتی که از زندگی دارم، تفسیراتی در تو می‌بینم. در آن شرایط و پس از عملیات فروغ جاویدان و آنچه هم می‌شد، اینستادگی که از هر جهت علیه مقاومت انقلابی می‌شد، اینستادگی بر سر اصول و پرنسب های مبارزه رهایی بخش مردم برای صلح و آزادی، بیک رابطه شخصی با این جنبش را می‌طلبید. حقیقت این بود که با "تئوری" صرف و با "منطق" منقول و متداول نمی‌شد بر اساس پرنسب ها استاد و دکتراکتم فارغ از تمامی مباحثها از جمله کسانی بود که با حدیث از تمامی پرنسب ها و اصول جنبش مقاومت مردمی دفاع می‌کرد. پس از پایان جلسه شورا، من پیش رفقای خودمان در کردستان عراق رفتم. در صحبتی که در کنفرانس بخش کردستان سازمان داشتیم با طرح این سوال که "چه رابطه ای بین سفر و قلب، بین تئوری و پراتیک، بین سوسیالیسم و پرولتاریا وجود دارد؟" جواب آن، خواستم ابتدا بیک مسأله قدیمی که مناسفانه بارها فراموش می‌شود برای خود و سپس برای رفقایم بطور قطعی حل کنم که "اگر عطش به قلب و به عشق راه نبره، اگر سوسا - لیزی به پرولتاریا راه نبره و اگر تئوری به پراتیک راه نبره" ... "هم عقل بر عزم تئوری بوجه وهم سوسیالیسم بوجه" ... آنروزها هنوز هیچ تحسولات جهانی این شدت وحدت را نیافته بود. اما ما کلیه این سنت های اصیل جنبش فدایی دفاع می‌کردیم و خوب می‌دانستیم که "محک تئوری، عمل است" بایستی این امر را به مسأله مرکزی فلسفه مارکسیسم یعنی "انسان" ربط می‌دادیم. به بیان دیگر ما باید بد بوسته‌هایی که مانع توسعه درک ما از عمل می‌شد، می‌گشتم و به اصلی ترین نیاز انسان یعنی "رهایی" بمثابه عالی ترین محصول عمل تاریخی انسانها می‌رسیدیم. تکال بعد در آبان ۶۸ ما اعلام کردیم که "سوسیالیسم با شدت آهنین، بازور و در شرایطی که زمینه‌های لازم برای حل این با آن مسأله اقتصادی و فرهنگی فراهم نشده باشد، هرگز موفق نخواهد شد. سوسیالیسم اشتراک در فکر نیست، سوسیالیسم اشتراک در پی نیازی، رفاه و فرهنگ پیشرفته بشری است." (شماره خلق - شماره ۶۵/۱۲/۶۸)

یکروز دکتراکتم بمن گفت شما این مطالب را بر اساس اعتقاد به م. ل. گفته‌اید، من گفتم بیکه گفت این جمله "سوسیالیسم اشتراک در فکر نیست" را در کجا خوانده‌اید. گفتم خود من جایی نخوانده‌ام. آنرا از بیژن جزینی در زندان شنیده‌ام. با تعجب گفتم، یعنی آن موقع جزینی، چنین بحث هایی می‌کرد؟ و بعد راجع به خصوصیات بیژن جزینی چند سؤالی کرد. وقتی من گفتم بیژن جزینی علاوه بر اینکه بیک رهبر برجسته سیاسی بود، بیک هنرمند و هنر دوست هم بود، دکتراکتم گفت مثل بسیاری از رهبران بزرگ جنبش ها و بدینسال صحبت هایش از اینکه در آثار مارکس مسأله انسان و رهایی، خوشبختی و آزادی او مسأله اساسی است و در

باره زمینه‌ها و علل شکست کشورهای "سوسیالیسم موجود" صحبت مفصلی کرد. درباره شخصیت بسیاری از نمایندگان کشورهای سوسیالیسم موجود در نهادهای بین المللی می‌گفت اینها آنقدر فسیل شده‌اند که نقد درهای احساس و عاطفه هستند. می‌گفت ما به آنها می‌گوئیم شما همه چیز را در "تجارت" خلاصه کرده‌اید و بعد با شور و هیجان تمام گفت، ولی خیلی خوب شد که دست خیلی از عوامل بر زبان روشد، اینها هیچ ربطی به مارکس و شاگردان برجسته او ندارند. اینها فسیل شده‌اند. اما آینده بازم روشن است. سرمایه‌داری و تمام مفاسد آن وجود دارد و مبارزه مردم محروم و مستعبد برای خواسته‌های برحقشان ادامه خواهد یافت. وظیفه ما اینست که فعلا این شور و هیجان و این عشق و ایمان را که در مقاومت ایران وجود دارد، زنده نگاهداریم. چون در اینصورت است که خودمان هم زنده هستیم. این تنها صحت نسبتا مفصل من با او بود. حالا که دارم این مطلب را می‌نویسم و آن روزها را بخاطر می‌آورم، می‌فهمم که همچنان او ناشی از نیرویی بود که او را از کرسی استادی دانشگاه به صحنه مبارزه برای آزادی گشاده بود. او اینرا می‌خواست و به این زنده بود و چون با خود و کسانی که رابطه سالم و صمیمانه داشت، صادقانه برخورد می‌کرد، وقتی رابطه من با او دیگر حالت رسمی نداشت، از او تاثیر پذیرفتم و او را به میزانی نزدیک کردم و بهرمان میزان پس از شهادت خود را در وضعیت یافتیم، که لاجرم می‌بایست آن جنبه از شخصیت او که مرا تحت تاثیر قرار داده بود را می‌فهمیدم و آن را ابتدا برای آرام کردن خودم و سپس برای درس آموزی برای دیگران تشریح می‌کردم. دکتراکتم رجوی بیک انقلابی پر شور، بیک سیاستمدار برجسته، بیک نیهلمات ورزشی، بیک کادر سیاسی پرکار، بیک انسان صادق و صریح و با لآخره بیک عاشق بود. اینکه سرهای عشق او تا کجا گسترش یافته بود، مسأله اساسی نیست. هر عشقی ارزش آفرین است، چرا که در جوهر خود هستی بخش است. این هستی که خود را در نیای "واقعی" و "مادی" گاهی ساده و گاهی پیچیده نشان می‌دهد، انسان را به زندگی سعادت‌سازانه فرا می‌خواند. از عشق به طبیعت و هنر و ... تا عشق به بیک فرد و از عشق به بیک فرد تا عشق به انسان، همه‌جا عنصر "رهایی" است که انسان را به زندگی فرا می‌خواند. وقتی حتی پیچیده‌ترین ماشین ها طبیعت پیچیده انسان را ساده می‌کنند، این عشق است که در مقابل تسلط ماشین و در نتیجه غیر انسانی شدن محیط، به مقابله بر می‌خیزد. تمامی نظراتی که "انسان" و نه "ابزار" را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند، تمامی نظراتی که برای نی از خود بیگانگی وجود آمده‌اند، در این عرصه محک می‌خورند. دکتراکتم از مسائلات سرمایه‌داری و استثمارگرانه، از عشق او سرچشمه می‌گرفت و او بطور عمیق اینگونه نسبت به این مسائلات آشنایی کامل داشت و در نمایشگاه آن زندگی می‌کرد و از همه ی بیخ و خم ها، تضادهای، ظرفیت ها و ابزار آن برای آزادی مردم ایران استفاده می‌کرد، هیچگاه مرغوب آن نشده. زیرا این عشق بود که او را از زندگی ماشینی رهاییده بود و دنیای جدیدی را برای او گشوده بود. او تمام "هستی" اش را همراه "هستی آفرین" و در راه برتر گوه "عشق" گذا





«در رابطه با حل مسأله ملی، سیاست اشتباه بکار می‌بردم»

مباحثه با مشاور اقتصادی گورباچف  
الغیا، چاپ بغداد - ۲۲ نوامبر ۱۹۸۹

آقای آگان بیگان یکی از اقتصاددانان برجسته شوروی است. وی پیش از انتقال به مسکو نزدیکی به رهبر شوروی در آکادمی علوم اقتصادی وابسته به حکومت شوروی، در آکادمی علوم سبیری بکار اشتغال داشت. او یکی از صاحب نظران در اقتصاد، واریشتیانیان سیاست پروستریکا و همچنین خوشبین به نتایج آن است. آقای بیگان ارمنی الاصل است و خواهان اصلاحات و تغییرات می‌باشد. او نزدیک به کانسون سیاست گذاری در مسکواست. زیرا که مشاور اقتصادی رهبر شوروی بشمار می‌آید. او از طرف رهبر شوروی به او ماموریت در رابطه با شرح سیاست جدیدش برای عده‌ای از روسای جهان، بخصوص در اروپای غربی و انگار شده است. وی تالیفات زیادی در اقتصاد، که تکیه‌اش بر فلسفه سیاست بازاری است، دارد.

مشاور اقتصادی آقای گورباچف چند روز قبل در دیدار خود از عراق برای الغیا، راهبهای اقتصاد شوروی و مشکلات موجود در برابر رهبر کرملین در این برنامه جدید، و همچنین مسائل سیاسی بسیار مهم را ترسیم کرد. مباحثه گر: احمد صبری

سوال - اقبای قابل دسترسی اقتصاد شوروی در سایه پروستریکا و راهبهای استراتژیک چه هستند؟  
جواب - می‌توانیم چهار راه استراتژیک را در سیاست بازاری در اقتصاد شوروی، ترسیم کنیم و آنهم: اولاً، انعطاف اقتصاد شوروی برای تأمین مایحتاج مردم و اهمیت دادن به قوت آنان، و بر آوردن احتیاجاتشان و جلوگیری از نقایص موجود در آن، بنا تکیه بر پیشرفت تکنیک در کشور ما رخ می‌دهد. ثانیاً: با لا بردن کیفیت کار و سطح تکنیکی در اقتصاد ثالثاً: که این را مهمتر از همه بحساب می‌آوریم، تغییر اداره اقتصاد و آن یعنی تحول از اقتصاد متمرکز به اقتصاد غیر متمرکز، و رکن سمت ساختن سیاست بازار. رابعاً: تحول از اقتصاد بسته به اقتصاد بازار در ارتباط با کل جهان.

سوال - در رابطه با مالکیت بر ابزار تولید، گفتگوهایی انجام شده. آیا به هیچ تصمیمی درباره آن دست یافته‌اند؟

جواب - همچنان که گفتیم ما نظرات مختلفی در باره مالکیت دولت بر ابزار تولید داریم. حتی در مورد کوچکترین حلقه در زندگی، و این همه ما را خسته کرده است و الان یک روش مالکیت تعاونی، که تعدادش ۱۵۰ هزار تعاونی در سرتاسر اتحاد شوروی است، وجود

دارد و در آن بیش از ۲ میلیون نفر کار می‌کنند. بر روی این نحوه مالکیت، الان مالکیت دولت در حال تغییر یافتن در میدانهای تولید صنعتی و کشاورزی و استهلاکی و رسیدن به اجاره کارخانجات و زمینها و ادارات از طرف آنان تعاونی ها) بصورت مستقیم است.

سوال - آیا این تجربه را بکار برده‌اید؟  
جواب - بله. الان نزدیک به ۲۰۰۰ کارخانه در اتحاد شوروی بطریق اجاره کار می‌کنند و سعی می‌کنیم این تجربه را در آینده بصورت مشارکت مردم در مالکیت کارخانجات صنعتی بهبود بخشیم.

سوال - شما سعی می‌کنید روبل شوروی را به یک پول با ارزش تبدیل کنید. آیا هیچ وقت زمانی در این مورد تعیین کرده‌اید؟

جواب - ما سعی می‌کنیم که روبل قابل تعویض باشد. در داخل اتحاد شوروی تعویض شدن در سال ۱۹۹۵ صورت خواهد پذیرفت که شرکتیهای شوروی می‌توانند از داخل روبل را به یک پول خارجی معتبر تبدیل کنند. اما بخصوص تعویض خارجی، به اعتقاد من این ممکن است از شوه همکاری با کشورهای خارجی حاصل شود. ما باید به سازمانهای بین المللی و بخصوص بانک جهانی بییونیدیم و همه اینها به زمان احتیاج دارد.

سوال - سازمان اقتصادی کومینکوم بین کشورهای سوسیالیستی در حال حاضر به سبب رخدادهای حاصله در اقتصاد بعضی از اعضای آن، با احتمال توقف در ادامه کار روبه روی است. آیا هیچ راه جدید برای همکاری بین اعضای کومینکوم وجود دارد؟

جواب - الان آینده واقفهای این سازمان را مابسر اساس ساختن بازار مشترک برای کشورهای سوسیالیستی می‌بینیم و رویدادهای لیستان و مجارستان این موضوع را آسان می‌کند. چون اقتصاد این دوه اقتصاد بازار نزدیکتر است. و اتحاد شوروی سعی می‌کند اقتصاد خود را به یک اقتصاد بازار سیدل سازد. در چارچوب سازمان کومینکوم مباحثاتی بر سر ساختن بازار مشترک برای سه کشور صورت می‌گیرد و سعی می‌کنیم که یک مجموعه بسته در خود نیانیم، بلکه خواهان همکاری با همه و بخصوص با اقتصاد جهانی هستیم.

سوال - به عنوان یک اقتصاددان خواستهای جمهوری های شوروی را در رابطه با استقلال اقتصادی چطور ارزیابی می‌کنید؟ و آن چه زمانهایی در اقتصاد شوروی دارد؟

جواب - مهم این است که مضمون و معنی استقلال اقتصادی برای برخی از جمهوری هاجیست؟ اما متقابلاً در آنجا خواهشهای بیش از این نیز وجود دارد. باید نگرش ما به این امر طوری باشد که در خدمت اقتصاد شوروی و در نهایت به رفاه مردم منتهی شود.

سوال - به عنوان یک ارمنی چگونه به خواستهای آذربایجان و تعلق کاراباخ افریباغ می‌نگری؟

جواب - من همیشه و حتی قبل از حوادث اخیر نظرم این بود که منطقه به ارمنستان برگردد. چون ۲۰۲۶ ساکنین آن ارمنی می‌باشند. ولی در سایه جو کنونی برگرداندن این منطقه به ارمنستان ممکن نیست. بلکه لازم است این منطقه به جمهوری متحد روسیه داده شود. ما اداره آن از طریق یک کمیسیون که مستقیم از طرف رهبر اتحاد شوروی تعیین شده،

صورت پذیرد.  
سوال - مسئله ملی جاسعه شوروی را تهدید می‌کند. آیا مستقدي که انترناسیونالیسم در حل این مسئله شکست خورده است؟

جواب - بله. چون ما قبل از پروستریکا یک سیاست غیر صحیح ملی بکار می‌بردیم و به سبب این سیاست، مشکلات و عوارض زیادی بخصوص در مسئله ملی اوج گرفت و این به علت سازمانهای سابق که به مرکزیت سنت و سخت متکی بودند، بود. و آن غده‌ای در بسن شوروی بود. در جو دموکراتیزه شدن جامعه و سیاست علنی که رهبر شوروی آن را در پیش گرفته، این غده ترکید، ولی معالجه آن امکان پذیر است. و به اعتقاد من در آن خطری وجود ندارد. ملی رغم کل مشکلات و عوارض و مناظر غیر زیبا اکنون امکان پذیر است علت آن غده و کیفیت معالجه آن را بدانیم.

سوال - معاون نخست وزیر آذربایجان به الف بنا گفت که نتایج پروستریک در سال ۲۰۱۰ ظاهر می‌شود. آیا تو با گفته او موافقی؟

جواب - من با آن چیزی که آن مسئول آذربایجانی گفت موافق نیستم. زیرا که در زندگی شوروی سوابق زیادی وجود دارد که جواب آنها ممکن است فردا گرفته شود یا پس فردا یا ممکن است در نسلهای آینده. و برای مثال تا زمانی که هر خانواده شوروی بتواند یک خانه مستقل را به تملک در آورد، آن قبل از سال ۲۰۱۰ تحقق نمی‌یابد و ما اینکه صاحب یک ماشین شود بنظر من تا سال ۲۰۰۵ امکان پذیر نیست. و مثالی دیگر، چه زمانی یک هوطن می‌تواند شکل خوب بخورد و بیاشامد و آیا آن کلیات غذایی در بازار موجود است؟ به اعتقاد من این نتیجه را بعد از شش سال از حالا به بعد بدست می‌آوریم. البته روی آن اساس نظرات مختلف وجود دارد. زیرا که ما به زمان احتیاج داریم که انسان بتواند تغییر یابد. چون پروستریکا هدفش تغییر انسان است.

سوال - آیا پیدایش احزاب جدید را در اتحاد شوروی پیش بینی می‌کنید؟

جواب - الان جوی برای بوجود آمدن احزاب سیاسی مخالف نداریم. ولی من این را مشکل مطلق نمی‌گویم. پیدایش آن در آینده محتمل است و به احتمال دوباره اینکه تعدد آراء در چارچوب حزب واحد تحقق یابد. همچون که در چین وجود دارد.

سوال - آنچه چیزی که اکنون در اتحاد شوروی می‌گذرد آیا تجدید نظر در دیدگاه نظری شماست یا عدم کارایی تجربه سابق به مایحتاج زندگی جدید است؟

جواب - متأسفانه بیست سال قبل سوسیالیسم شروع به عقب گرد از موقعیت خود کرد و جریانات غیر صحیح باعث شدند که سوسیالیسم شروع به رنگ زدن کند. و آن یعنی مرحله غیر موفق در پیشرفت سوسیالیسم در مقابل پیشرفت سرمایه‌داری، به غلغل مراحل غیر مطلوب بود. زیرا عمر سوسیالیسم ۷۰ سال است اما از عمر سرمایه‌داری بیش از ۲۰۰۰ می‌گذرد. ولی بنظر من در سوسیالیسم انرژی های خارق العاده‌ای نهفته که هنوز شکوفا نشده‌اند.

سوال - آیا آنچه در لهستان و مجارستان و آلمان دموکراتیک می‌گذرد شما را نگران می‌کند؟

جواب - مردم آن کشورها باید سرنوشت خود را به



### مقاومت پیروز است

از صفحه ۱  
 حمله کرده و بار دیگر از وی عذرخواهی کند. مهاجرانی در مقاله مذکور که متن کامل آن در همین شماره نیسرد خلق چاپ شده است گفته است "به گمانم اگر در شرایط ویژه‌ای که هستیم مملکت های کشور و انقلاب را بر سایر امور ترجیح ندهیم، بهره‌اش از دست رفتن فرصت ها برای انقلاب و کشور و ملت می خواهد بود که دشمنان می خواهند فرصت های اورا بگیرند و سالها پس از سالها بگذرد اما در وادی بازی با شعار متسل بازی با بیخ متوقف بناییم." در رابطه با این مقاله باید خط امام چنان تعرضی رایه نویسنده مقاله و جناح مقابل آغاز نمود که رفتن جانی را مجبور به موضعگیری نمود و اعلام کرد که نظرات مطرح شده در مقاله نظر خود نویسنده است. روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۶۹/۲/۸، در مقاله‌ای تحت عنوان "انحراف" که متن کامل آن در همین شماره نبرد خلق چاپ شده، نویسنده مقاله را "انسان خوش خیال"، کسی که جیمز بیکر او را "بازی داده است"، و کسی که "مهاجران" است می خواهد فرصت "طلایی" را از دست نهد می ناسد. روز ۶۸/۲/۹ دانشگاهیان حزب اللسی نظراتی بر گزار کرده و با دادن شعارهایی همچون "جنگ با آمریکا راه رهایی ماست" علیه مهاجرانی شعار می دهند. محتشمی فریاد بر می آورد که این مقاله "کدایی رحم از شیطان بزرگ" است. هادی غفاری در جلسه روز ۶۹/۲/۱۱ مجلس ارتجاع می گوید: "درست در زمانی که هنوز یک سال از فقدان امام عزیز نگذشته اصول و مبانی ارزشی انقلاب اسلامی مورد تخریب و هجوم قرار می گیرد. گاهی از تریبون نماز جمعه بعنوان سخنران قبل از خطبه، گاهی به عنوان محاسبه مطبوعاتی و گاهی به عنوان سرمقاله و گاه هم به عنوان اظهار نظر ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص) مورد تاخت و تاز باخردانه و غیر متعهدانه قرار می گیرد." در همین سخنرانی هادی غفاری فرصت را مناسب دیده و اعلام می کند که "این جانب در رابطه با فردی به نام دکتر جواد لاریجانی به عنوان عنصر مشکوک سیاسی... علیه ایشان اعلام جرم می کنم." روزنامه رسالت در شماره روز ۶۹/۲/۱۲ خود علیه هادی غفاری اشکگری می کند و می نویسد: "باشفیدترین الفاظ تم جلاله خورده‌اید که نه شامنه موسسه الهادی هیچ حسابی در هیچ جای خارج از کشور ندارند. مانگفته بودیم موسسه حساب خارجی دارد، بلکه نوشتیم جنابالدی در نوشتن حساب ارزی دارید و خواستار رسیدگی به آن هستیم. مستند مامم تلکس سفیر جمهوری اسلامی در مسرن و تاشید خود شما در نزد نویسنده سرمقاله ها و بسیاری از نمایندگان مجلس بود... بنیادی که در بنیاد استاسنامه‌اش هیچ سرمایه‌ای را عنوان نمی کند، از کجا ثروت کلانی بدست آورده که تنها ۱۰۰ میلیون تومان برای خرید یک گاوداری می تواند پرداخت کند!" روز ۶۹/۲/۱۲ ۹۶۸ شماره‌ای به میدان می آید و برای آرام کردن "حزب الله" شروع به عریسه کشی می نماید که: "خالک برسر آن ملت و دولتی که زیر بار تحمیل های آمریکایی برود" اخیر گزار می نویسد: "وی در رابطه با مذاکره با آمریکا می گوید: من با مذاکره با آمریکا مخالفم و دولت جمهوری"

اسلامی بدون اجازه من امکان ندارد چنین کاری نکند و خودشان هم قاعدا با چنین کاری موافق نیستند." در رابطه با دیپلماسی فعال که جناحهایی از وزارت امور خارجه رژیم طرح می کنند می گوید "بعضی می گویند دیپلماسی فعال، بلکه ما معتقد به دیپلماسی فعال هستیم. ما معتقدیم که وزارت خارجه ما باید در سطح جهان منهای همین چند موردی که استثنا کردیم مشغول فعالیت باشد. البته بارها گفتیم عزت را، حکمت را و مصلحت را رعایت کنیم. بروند با همه دولتها ارتباط داشته باشند. سیستمهای مختلف، عقاید مختلف و روشهای گوناگون مانعی ندارد. لیکن منطقه ممنوعه‌ای وجود دارد که از آن منطقه ممنوعه نباید تجاوز کنند." اخیر گزار می نویسد: "ولی فقیه" یوشالی به این ساله البته نمی بردارد که مذاکرات سختی با گردانندگان این منطقه ممنوعه "برچه پایهای صورت گرفته است. وی برای خاموش کردن آتش ختم "حزب الله" مجبور است "خالک برسر آن ملت و دولتی که زیر بار تحمیل های آمریکایی برود" بریزد. اما همان روز مجبور می شود از مهاجرانی عذرخواهی کند و طی نامه‌ای به او بنویسد: "بسمه تعالی - برادر گرامی آقای عطا الله مهاجرانی: ششصد بیخی ها از حرفهای امروز من قصد طعن و توهینی نسبت به جنابعالی استنباط کرده‌اند و شاید بعضی خواستارند یا خواهند آنرا تحسینی برای اهانت به شما بپردازند. اعلام می کنم که این استنباط غلط است. من یک فکر را خط کشه کرده‌ام و نیت توهینی به کسی نداشته‌ام و اگر بدون اراده‌ی من به شما توهین شده است، از شما عذر می خواهم. من شما را دشمن است که تحق و عیب و ظهارت می شناسم و مطمئنم جردلسوزی و خیر خواهی نظیر من نداشته‌اید. شما همچنان برادر خوب من هستید و جدا کتر آنست که به توصیه‌های شما در مقاله "مذاکره مستقیم" عمل نخواهیم کرد و السلام علیکم - بنسبت علی خامنه‌ای ۶۹/۲/۱۲" روزنامه جمهوری اسلامی - ۶۹/۲/۱۲. خامنه‌ای در مدت چند ساعت حرفهای خود را پس می گیرد چرا که هم آویسد که در همان سخنرانی گفته بود "بند معتقد آنهایی که اعتقاد دارند ما باید بازاری استکبار یعنی آمریکا مذاکره کنیم، یا دچار ساده لوحی هستیم، یا سرعوتند" (امیر گزار می نویسد ۶۹/۲/۱۲). رهبر در مانده رژیم صبح مهاجرانی را ساده لوح و سرعوت می نامد و بعد از ظهر از او عذر خواهی می کند و می گوید که قصد توهین نداشته است. این تناقض در رفتار و گفتار که از ماهیت رژیم سرچشمه می گیرد، در شرایطی که این رژیم محور اصلی و سر هرم و لایت فقیه را از دست داده، بصورت یک امر روزمره در آمده است. تازه خامنه‌ای در شرایطی اینگونه متناقض حرف می زند که روز قبیل از آن، مهاجرانی در روزنامه اطلاعات، بطور کامل از دیدگاه خود دفاع نموده است. در چنین وضعیتی خطر آنقدر برای کلیت رژیم ملموس می شود که ناطق نبوری در جلسه مجلس ارتجاع در روز ۶۹/۲/۱۲ می گوید: "من می گویم بجای آن که از تریبون مجلس روزنامه‌ها به جان هم بجاییم و دشمن را شاد و دوست را سانس کنیم و تشره این کار، این باشد که ضد انقلاب حرف های ما را بدست بگیرد و به ریش همی ما بخندد، که - زهر در صفحه ۱۱

### انحراف

### جمهوری اسلامی

مذاه و مذاکره مستقیمه که روز گذشته شماره بیست ماه جاری در یکی از روزنامه‌های مصر به چاپ رسید، موجهی از نفرت عمومی را در میان مردم و مسئولان برانگیخت. محتوای مقاله این است که چون جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده است که آمریکا آماده است با نظامات ایرانی مستقماً مذاکره کند، پس خوب است فرصت را از دست ندهیم و با آمریکا تنها پیشمان نشدند بنشانی به مذاکره مستقیم با آنها که منهدت ملتان و سر نوشت انقلاب و اسلامان فسی اسحال در گرو همین مذاکره مستقیم با آمریکا است. اگر چنین نگوییم سراجام پیشمان خواهیم شد و پیشمانی هم که سودی ندارد. به انسان خوش خیالی چون این آقای نویسنده چه می توان گفت؟ حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در ماجرای مشاهیر، فرمودند و آمریکا شوروی را هم بازی داده است. به نظر می رسد اینک جای آن دارد که گفته شود: جیمز بیکر، آقای... را هم بازی داده است. طالب است که این همه خوش خیالی درست در حالی صورت می گیرد که تیر بست راست صفحه اول روزنامه که این مقاله در آن چاپ شده، در ۳ ستون حکایت از موج حشم و نفرت جهان اسلام و عرب از قلمنامه خطن نمایندگان آمریکا منبئ بر رسمیت شناختن بی‌شماره‌ای به عنوان پایتخت رژیم استعلاک فسن داده. آیا حساب خطن نمایندگان آمریکا از حساب وجیمز بیکر جداست؟! آیا حساب این دو از حساب دولت آمریکا که امام فایده‌مان آرا و شیطان بزرگ نامیده، جدا است؟! حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در مورد آمریکا اصل خسته بنایم بری را برای گذراندن که تکلیف نظام جمهوری اسلامی ایران با آمریکا را برای همیشه روشن می کند. امام فرمودند تا آمریکا آدم نشود، ما هیچ گونه راستی با آن نخواهیم داشت. ما را چه می شود که فکر می کنیم ما هم باید مثل دولت سوریه به ستاره تبلیغاتی آمریکا شویم و اگر رئیس جمهور آمریکا بگوید نفس ایران در مساجد ایرانی می کشد و اگر رئیس جمهور آمریکا بگوید ما باید احساسات دلتی کشی که چرا آمریکا قدر ما را نمی داند ما را چه می شود که اراده ملت و کفایت مسئولان و قدرت انقلاب را از پای می بریم و عاجزانه مدعی می شویم که اگر بنده مسوت جیمز بیکر شارا لان پانخ منت تعریف فرصت طلایی بوجود آمده، از دست خواهیم داد و قادر به بازسازی کشور نخواهیم بود. پس گو آن هست و مرده انگانی پس گو آن غیر انقلابی پس چه شد آن همه عروش مرگ بر آمریکا؟! اینها سبب اجازه داده شود حیثیت ملتی که پرچم پرافتخار ایستادگی در مقابل شیطان بزرگ را به عنوان بزرگترین افتخار قرن بر دوش دارد، این چنین در سطح جهاس ریسر سوال برود؟ راستی ما را چه می شود که بگردد می گوئیم راه الهیا را مبرزه با مستکبران طواغیتی از قبیل آمریکا است و روز دیگر مدعی می شویم که مذاکره مستقیم با افعال آمریکا شیوه انبیا و اولیا، بوده است؟! آیا چنین لغزشهای انحرافی اعانت به یک ملت انقلابی موجد نیست؟

مذاکره مستقیم اطلاعات  
 جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا قبل از اعلام کرد که آمریکا آماده است با مقامات ایرانی مستقماً مذاکره کند. ممکن است بگوئید به همین دلیل سخنی در کار و توطئه‌ای برپاست که از آنچه است که بیکر پیشنهاد مذاکره مستقیم را داده است. در هر حال این خود شویب است که صرف نظر از شخصیت و موضع، صرفاً به همین اعتبار که گفته چه کسی است می توان بر سخن خط بطلان کشید و در پس هر حرفی توطئه‌ای را کشف کرد. به گمان می توان از اوبه‌ای دیگر نیز مذاکره مستقیم را مسجد و بن مذاکره مستقیم و مذاکره غیر مستقیم، طرف بهتر یا لا اقل آنکه شورش گستر است را برگزیند. فرضی ما از این فرارند. ۱- ما قلمنامه ۵۹۸ را پذیرفتیم، بردن کار و تداوم این قلمنامه با هدایت دبیر کل سازمان ملل و عملاً بر نظر شورای امنیت انجام می شود. آمریکا خود را شورا و نیز مؤثرترین عضو است. ۲- از زمان پیروزی انقلاب تا به حال ما بین آمریکا و ایران مسائل متعدد و متنوعی از قبیل بلوکه شدن داراییهای ایران و جلوگیری از ارسال قطعات بدگی خریداری شده که مصرف نظامی داشته و... وجود دارد. ۳- چهار نفر از اتباع ما و نیز تعداد قابل توجهی از مسلمانان مستقیم ایران از جمله شیخ عبید در دست گروههای طرفدار آمریکا و اسرائیل به گروگان گرفته شده‌اند. ۴- عراق به عنوان دشمن باقی و باقیه ما با بهره گیری از امکانات جهانی و سازماندهی مناسبه روابط بین المللی و دیپلماسی خود هم روز در جهت تقویت نظامی و سیاسی خود بیشتر کوشیده است. ۵- با بالا بردن بازسازی صنعتی و اقتصادی کشور و همگام از تحریمات عقبه دوران جنگ وظیفه محتمل ماست که کمترین درنگی در آن پذیرفته نیست. اینها فرضهای فتنه بود. مذاکره در تاریخ عالم و آدم همواره به عنوان امری بسیار بدیهی که نیز به برهان و توجه ندارد به کار گرفته شده است. مذاکره مستقیم انبیا الهی با دشمنان خدا و خلق، سنت و سره پیامبر اسلام و امیر مومنان و سایر ائمه معصومین، عرف انقلابیون و سیاستمداران مستقل دنیا و بالاخره این برهان و بنیه که مذاکره به صرف پذیرش سلطه و انقیاد است، امری فرخوز توجه است به ویژه آن که در فضای امروز ما نخواستیم بویاری نشد به دور کشور و مردم کشیم و در دایه دینی رابطه را زد گئی کنیم. داستان گروگانها، داستان عبرت آموزی است به همین اعتبار که دولت دوست و برادر سوریه از مذاکره مستقیم با آمریکا پرهنز نگرد، تبدیل به ستاره تبلیغاتی ستاروی آزادی گروگانها شده و مصالح و منافع ملی اش را پیش برده و کم و کیف نقش ایران به تفسیر رئیس جمهور آمریکا بر آمریکا پوشیده مانده است! به گمانم اگر در شرایط ویژه‌ای که هستیم مصلحتهای کشور و انقلاب را بر سایر امور ترجیح ندهیم، بهره‌اش از دست رفتن فرصتها برای انقلاب و کشور و ملت خواهد بود که دشمنان می خواهند فرصتهای او را بگیرند و سالها پس از سالها بگذرد و ما در وادی بازی با شعار مثل بازی با بیخ متوقف بناییم. از سید عطا الله مهاجرانی روزنامه اطلاعات ۶۹/۲/۱۲

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# چشم انداز نه جنگ نه صلح

رادیو رژیم در تاریخ ۱۱/۲/۶۹ خبر داد که: "شورای عالی امنیت رژیم عصر این روز تشکیل جلسه داده و در این جلسه "نامه‌ای که اخیراً از سوی دولت عراق در مورد مذاکرات صلح و وضعیت منطقه ارسال شده است مورد بررسی قرار گرفت و تصمیمات مقتضی گرفته شد".

خبرگزاری رویتر در تاریخ ۱۰/۲/۶۹ از ابوظبی گزارش داد که سه بهارتی معاون وزیر امور خارجه رژیم طی مصاحبه‌ای گفته است: "موظف به بازسازی خرابی‌های پس از جنگ دست زده و این امر تعالیشان را به صلح نشان می‌دهد بنابراین چشم انداز یک جنگ جدید در این لحظه صفر می‌باشد".

رادیو رژیم در تاریخ ۱۶/۲/۶۹ خبر داد که "نامه ارسالی دولت عراق در جلسه امروز کمیسیون سیاست خارجی مجلس با حضور وزیر امور خارجه و تنی چند از مسئولان این وزارت خانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت".

رادیو بی‌بی‌سی در تاریخ ۱۶/۲/۶۹ خبر داد که "روزنامه‌ای که از حمایت عربستان سعودی برخوردار است گفت: "صدام حسین رئیس جمهور عراق به رفسنجانی نامه نوشته و در آن پیشنهادهای جدید را برای صلح بین ایران و عراق مطرح کرده است".

رادیو رژیم در برنامه دفاع مقدس در روز ۱۶/۲/۶۹ از قول بهارتی گفت: "به احتمال زیاد نتایج تمام عراق فروکش خواهد کرد".

رادیو بی‌بی‌سی در برنامه روز ۱۷/۲/۶۹ خود گزارش داد که: "خبر مربوط به محتوای نامه صدام حسین برای دولت ایران نخستین بار در روزنامه شرق الاوسط منتشر شد و حاکی از آن بود که نامه صدام حسین حاوی جزئیات مشروعی درباره پایان دادن به بی‌بستگی نظامی عراق است. صدام حسین بافتن راه حلی برای رفع اختلافات طرفین در مورد تسلط العرب

معنی برقرار داد ۱۹۷۵ الجزیره است".

خبرگزاری رویتر ۲۲/۲/۶۹ گزارش داد که تهران تایمز امروز نوشت که بغداد پیشنهاد نموده که به منظور شکستن بی‌بستگی گفنگوهای صلح یک گردمانی میان روسای جمهور ایران و عراق برگزار شود. این پیشنهاد در نامه‌ای که به دولت ایران ارسال شد، امرا شده است. تهران تایمز می‌نویسد: "مخ لومنت میتوان از این سو و آن سو نتیجه گرفت که عراق خواهان برگزاری گفنگوهای مستقیم با ایران که این گفنگوها خارج از چارچوب قطعنامه سازمان ملل و در سطح روسای جمهور انجام گردد، است".

خبرگزاری رویتر ۲۲/۲/۶۹ "وزیر خارجه عراق می‌گوید: "ایران جواب نامه دولت عراق مبنی بر گفنگوهای رودر رو بین سران دو کشور برای شکستن بی‌بستگی، جنگ، صلح" را داده است، طارق عزیز پس از دیدار با دو کوشنلار گفت: "اولین دعوت از سوی بغداد صورت گرفت و بعد جواسی از تهران آمد مسئله نامه رسمی بوده است. ما آن را به عنوان یک پیشرفت مثبت ارزیابی می‌نمایم". سران ایران پیشنهاد کرد که در هفته جاری نسبت به پیام صدام حسین در رابطه با گفنگوهای رودر رو با رفسنجانی توافقی عملی خود را امروز داده‌اند. از عزیز سوال شد که آیا امکان میانجیگری رئیس سازمان ملل بین ایران و عراقی را به بحث گذاشته‌اند. عزیز گفت: "در این رابطه دبیرکل نقش بسیار مهمی برای ایفا کردن دارا می‌باشد". ولی در صورت تلاش نزدیکتر دو طرف است که او می‌تواند موفقیت بیشتری در این زمینه داشته باشد.

عزیز گزارشات مطبوعاتی حاکی از اینکه عراق در پیام خود همچنین پیشنهاد کرده که مذاکره بر مرسائل ارضی می‌تواند مبرم‌تر قرار داد الجزیره صورت گیرد و انکتیپ نمود".

نبرد خلق: نحوه برخورد رژیم خمینی با نامه رئیس جمهور عراق و نیز اطلاعاتی که تاکنون از محتوای این نامه و پاسخ آن بدست آمده، نشان می‌دهد که این حرکت از جانب هر دو طرف، جدی تلقی شده است. بیایند

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۸ - شماره ۸۹ - صفحه ۲۱  
نامه صدام

## و مناسبان جهانی ایران و عراق

و خدا می‌داند که این باره سفیر عراق در سازمان ملل متحد طی گفتگویی که پانزده اردیبهشت ماه با نماینده آمریکا به عمل آورد، رسماً اعلام داشته، و احتمالاً صدام حسین نامه‌های به‌عنوانی نوشته است. این نامه در سپتامبر مذاکرات صلح است و باید به عنوان یک حرکت حسن نیت تلقی شود. سفیر عراق همچنین افزود: «ما ماایل به بحث در مورد جنگ و گناه طرفین در آن هستیم و نباید این حرف‌ها را بیشتر بگذاریم».

از سوی کشورمان نیز اعلام شد که نامه دولت عراق در شورای امنیت کشور (ایران) جهت دولت و سپهر کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

ارسال این نامه به ویژه در شرایط کنونی روابط خرابی هر دو کشور ایران و عراق اهمیت می‌یابد و اصولاً با توجه به مذاکرات معنی پیدا می‌کند. از چندی پیش با اعلام فرار باروت خبرنگار تبعه انگلیسی، مناسبات بغداد و غرب رو به تیرگی گرایید و سپس با کشف حملات و شورش‌های فوجی و مفسد عراق (از جمله جانشین بهمنی آنست) که میان آن ایالات متحده بود، و در لندن کشف شد، و جنگ تسلطاتی کشورهای اروپای غربی، آمریکا و اسرائیل از یک سو و عراق از سوی دیگر ادامه یافت. در همین حال کتخ سفید اعلام داشت که هیچ گونه تحریم اقتصادی را در مورد عراق به اجرا نخواهد گذارد و روابط سیاسی دو کشور به همان شکل گذشته تداوم خواهد یافت.

همراه با مناقشات گسختی و تسلطاتی عراق و غرب، از سوی دوگان آمریکایی در مبروت آزاد شدند. گفته می‌شود اسرائیل و سوریه در آزادی ایمن دو گسختگی اعمال نمود که در همانده، مسافره در ایران جریانی را که به عنوان مسافره می‌شود و مسافره و مسافره با مسئولین ایالات متحده است و نیز عادی شدن روابط با عراق صورت می‌گیرد. و دیگر کشورهای غربی منطقه که قادر بر مراد دیپلماتیک و چهره‌های اسلامی هستند. تنها استقامتی خود را در مطروحات و رساله‌های کشور اعلام داشته است.

در واکنش به این حواشی ایثاله خامنه‌ای در مطروحات اسلامی، ضمن مخالفت با مسافره با واکنش، در مورد بهبود مناسبات با کشورهای غربی ابراز مخالفت نموده است.

گرچه بی‌شک نامه صدام به رهبران جمهوری اسلامی هنوز فاش نشده است، لکن با توجه به محتوای کلام مناسبات دو کشور، گفته می‌شود که رئیس جمهور عراق در این نامه تقاضای مذاکره مستقیم بین خود و رهبران درجه اول جمهوری اسلامی را مطرح ساخته است. حکایتی که صدام برای این مذاکرات عنوان کرده، هرستل نمودی ذکر شده است.

رئیس جمهور عراق سال گذشته نیز نامه مشابهی برای رهبران ایران ارسال داشته بود. نامه مذکور در آن شرایط توسط جمهوری اسلامی مورد اعتنا قرار نگرفت. گفته می‌شود صدام در نامه اخیر پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد دشمنی غرب و ایالات متحده با کشورهای مسلمان و نیز اشاره به مهاجرت یهودیان شوروی به فلسطین اشغالی به عنوان مسئله مشترک کشورهای عرب و مسلمان، خواستهای خود را مطرح می‌نماید.

همچنین شیده شده است که در پی این نامه، پاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین نیز نامه‌ای برای رهبران جمهوری اسلامی ارسال داشته و با اشاره به مسئله مهاجرت یهودیان شوروی و اروپای شرقی به سرزمینهای اشغالی، لزوم وحدت میان مسلمانان برای مقابله با این روند را مطرح ساخته است. عرفات پس از این ضرورت حل مسائل و اختلافات موجود میان مسلمانان به وسیله خودشان را خاطر نشان کرده است.

برای تحلیل و ارزیابی نامه صدام دو احتمال با دو نقطه نظر را می‌توان مطرح ساخت. نخست آن که، مقام رژیم عراق را مانع طرح جدیدی فرض کنیم که برای مقابله با تلاشهای صلح‌طلبی ایران مطرح شده است و در بطن خود حاوی هیچ ابتکار و تصمیم جدیدی نیست. عنوان شدن عربستان که دارای روابط سیاسی با ایران نیست و مناسبات دو کشور در حال حاضر تیره است، می‌تواند شواهدی بر غیر ممکن بودن چنین مذاکراتی تلقی شود. شیوه عمل رژیم بغداد در طول هشت سال گذشته نیز مؤید چنین برداشتی است. اما اگر صدام هدفی صرفاً دیپلماتیک داشته، چرا نامه باید شده را به مسئولان تسلطاتی، دستکم در مرحله اول، - همراه خود ببرد؟

تصادف غرب و عراق را می‌تواند تلقی نماید. اما جدی گرفتن این تصادف در بنای و اعتبار، عرفان قبول به نظر می‌رسد. اگر آنچه گفته شده که در متن محتوای نامه‌های مربوط به بغداد شود که در حال حاضر می‌تواند آن سرور پس از دست بستن حقیقت بیات صدام و پس از وی، عرفات مشابه به فراموشی سپرده شوند. صدام تنها دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دورانی که انقلاب هنوز پایتخت قدرت خود را استحکام نخبیده و در عین حال تعداد آن با آمریکا و اسرائیل به اوج رسیده بود (اسراران گستر و کانگریز آمریکا بمان در ایران) به جمهوری اسلامی حمله کرد و پس از آن در همین مسیر با آمریکا و وابستگانش در مساعلی منطقه‌ای شامل: اردن، مصر و حتی اسرائیل اشتغال کرد (شرح همکاری حزب بعث عراق با غرب، آمریکا و اسرائیل علیه مسلمانان و اعراب در حد این مقاله نیست و نیاز به بیان اشاره شده است) با این وضعیت سخن گفتن از غرب و اسرائیل به عنوان دشمن مشترک ایران و عراق جز گرفتاری بیش نیست. به عبارت دیگر تضادهای اصولی بین آمریکا و رژیم جمهوری نیستی به گونه‌ای که به همکاری عراق و ایران منجر شود، وجود ندارد.

به نظر می‌رسد که در میان این دو نقطه نظر، دیدگاه نسبی‌تر و واقع‌بینانه‌تری موجود دارد. دیدگاهی که به نامه صدام فراتر از یک مانور سیاسی، تبلیغاتی می‌نگرد و بر آن ایمان حد که آن را تنها راه باقی‌مانده برای صدام بداند.

این دیدگاه بر تحلیل خاصی از درگیریهای عراق و غرب و نیز تحولات بکلی دو هفته در روابط خارجی تهران و بغداد مبنای همکاری و نگاه دارد. ایران پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و فروری آتش‌بس در جبههها به عادی سازی و بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای عراق عملی مسافرت وزید. این حرکت هر چند که مستقیم و نوسان دار دیدگاهی تهران موجب شد که امروز فشار بین‌المللی که به عنوان یک وسیله تسلیحاتی از سوی عراق علیه ایران بازگرفته می‌شد، به تدریج به وسیله اقدامی بدل و نیز از قدرت آن کاسته شد.

در مقابل، گسترده شدن مناسبات ایران با برخی کشورهای به ویژه شوروی، مست شد که ایران فرصت بهره‌گیری از فشار بین‌المللی علیه عراق برآید. البته این تلاش جمهوری اسلامی موفقیت نسبی آن‌دکسی در پی داشت چنانکه کشورهای غربی و ایالات متحده نه تنها از وارد آوردن فشار بین‌المللی بر صدام خودداری می‌نمودند، بلکه عملاً از وی حمایت نیز می‌کردند. کشورهای منطقه نیز عملاً در راه‌های هر چند قطعی و غیر اصولی که باز برای عراق داشته است، نه تنها در مبارزه صلح با بغداد، تسلیحاتی نشان می‌دادند، بلکه این امر وجود داشتن در روابط بر سر میز کشورهای موج منطقه با جمهوری اسلامی بود. هرستل رابطه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، مشکل اساسی خود برای نزدیک به ایران را نمود رابطه بین تهران و روسان عنوان می‌کند. به نظر می‌رسد کشورهای اروپای غربی نکته واقع باشد که متقابلاً باید به رهبران ایران نیز برای تسهیل شرایط خود در مورد شرکت ایرانیان در طرح نعت فشار بگذارند.

تلقین ایران برای بهبود روابط با غرب و کشورهای منطقه که مسافره اصرار می‌نمایند برای فشار بر مسافره از حساب جمهوری

ایران و لغویت می‌کند، با بروز گفنگوهای در روابط بغداد و غرب همراه بوده است. همچنان که پیشتر نیز اشاره شد این تقاضاها در عین حال که نباید اصولی فرض شوند، بی‌اهمیت نیز نباید تلقی گردند.

در شماره گذشته کیهان هوایی نیز عنوان شد که به نظر واقعی است، بیایدی بیست و نهابا به نسبت عراقی در اردوگاه غرب می‌انجامد.

با این برداشت به نظر می‌رسد که عراق نسبت به آینده مذاکرات تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل متحد خودتسلیست و فرموده تداوم حمایت غرب از خود نگران است. همین احساس ضعف رهبران بغداد را واداشت است که چارچوب دیگری برای مذاکرات جستجو و به ویژه تلاش کند تا قالب قطعنامه ۵۹۸ را بسط کند. از دیدگاه آن مذاکرات مستقیم در حالی که عراق ظاهر از حبه نظری دست بالا را دارد، به نفع ایران تمام خواهد شد.

این همه بدان معنی نیست که فریب، جانب عراق را رها کرده‌اند، بلکه مشخص کننده آن است که کشورهای غربی حمایت خود از بغداد را مشروط (و نه مطلق) می‌دانند. نتیجه‌ای که گرفته می‌شود آن است که تهران در صورت بهره‌برداری از تضادهای هر چند ناچیز عراق و غرب و نامزدن بدل، می‌تواند حمایت بین‌المللی - که در تحلیل نهایی حمایت غرب محسوس می‌شود - را از بغداد سلب کند و حمایت کشورهای غربی از عراق را موجب شود.

در صورتی که حتی به طور نسبی این مقصود حاصل گردد، امرهای فشار عراق علیه ایران، در جریان مذاکرات چه در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ و چه مذاکرات مستقیم دو کشور، کنوانسیون خواهد شد و جمهوری اسلامی رسیده مسافرتی برای دستاوی به اهداف خود خواهد یافت. باید توجه داشت که مسئله اردن و عراق در فروردین ۱۳۷۵ الجزایر هنوز مشکل مذاکرات دو کشور است و تساهل جمهوری اسلامی بر معتر بوفن آن در صورتی که عراق نیز به نفع نظر در آن اصرار بوزرد و نظر چنین می‌رسد. از مواضع فرموده خود عقب‌نشینی نکند. به احتمال بسیار به معنی فرجام مثبت توافقی این روند جدید است. ضمن آن که مشخص می‌کند هرچه‌ها هنوز تعداد حسن است

۱۷۰ برای استقامت صلح دائم هستند.



# خاکسپاری دکتر کاظم رجوی

روز ۱۰ اردیبهشت امسال، طی مراسم پرشکوهی پیگر دکتر کاظم رجوی در گورستانی در نزدیکی شهر کربلا و در کنار شهدای عملیات ارتش آزادیبخش ملی ایران، به خاک سپرده شد. در این مراسم پرشکوه آقای مسعود رجوی، خانم مریم رجوی، خانم میشل همسر دکتر کاظم رجوی و سه فرزند او همراه با برادران دکتر کاظم رجوی، مسئولان و نمایندگان سازمانهای عضو شورای ملی مقاومت، شخصیت های عضو شورا، اعضای ستاد فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی ایران، شماری از اعضای هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران، گروههایی از خانوادههای شهدا و زندانیان سیاسی و تعداد زیادی از زندگان ارتش آزادیبخش ملی ایران حضور داشتند. گارد احترام نظامی بزرگی متشکل از زندگان ارتش آزادیبخش ملی آذربایجان، نظامی ویژه ای را حین خاکسپاری پیگر دکتر کاظم رجوی به اجرا گذاشت. در این مراسم پس از اجزای نماز و آخرین وداع مسعود رجوی با دکتر کاظم رجوی، پیگر دکتر کاظم به خاک سپرده شد. سپس دسته گل هایی از طرف آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی، خانواده رجوی، شورای ملی مقاومت ایران، ارتش آزادیبخش ملی ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، بر قبر دکتر کاظم نهاده شد. بعد از آن خانم میشل همسر دکتر کاظم رجوی، به سخن پرداخت. وی طی سخنرانی پر شور و شاعرانه خود به بیان پالک ترین احساساتش نسبت به دکتر کاظم رجوی و مقاومت ایران پرداخت. میشل گفت: " این ماههای آخر کاظم منم فقط یک آرزو داشتم که به ایران برگردد و در آنجا بمیرد. " سپس خانم مریم رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران به سخنرانی پرداخت. وی در مورد دکتر کاظم گفت که او " بارها خواسته بود که به ارتش آزادیبخش بپیوندد و در صف مقدم مبارزه باشد. " مریم رجوی دکتر کاظم را " سرداری از ارتش آزادیبخش ملی " نامید که " در صحنه جنگ سیاسی " با رژیم پشهادت رسید. وی اضافه نمود: " بحق که کاظم مجاهد زیست و مجاهد شهادت رسید و با خون خودش مجاهدت خود را به ثبت رساند. " خانم مریم رجوی گفت: " دنیا همه دولتها در شرق و غرب عالم باید بدانند که چشم دوختن به اصطلاح میانه روی بقایای خمینی سراسی بیش نیست و تا بقایای خمینی در حکومت هستند نه از صلح و آزادی خبری هست و نه از میانه روی و سازش. " در پایان خانم مریم رجوی از " همتی سازمانها، احزاب و شخصیت های ایرانی و خارجی که شهادت دکتر کاظم را به سازمان مجاهدین خلق ایران، شورای ملی مقاومت به خود مسعود و خانواده رجوی تسلیت گفتند، تشکر کرد. همچنین در پایان مراسم واحدهایی از ارتش آزادیبخش ملی ایران که در مراسم حضور داشتند، بطور جداگانه بر سر قبر دکتر کاظم حضور یافتند و ادای احترام نمودند.



## تلاشهای دیپلماتیک رژیم از موضع ضعف

بعضی از کشورهای اروپایی دارای روابط عالیستقیم هستند. جناح مقابل اینگونه اظهارات را بعدتر ریسر سوال می برد. مثلا کمپان هوایی در شماره ۸۷۷ (۶۹/۲/۱۲) خود طی مقاله ای به افرادی که از ارتباط با بعضی کشورها دفاع می کنند، بعنوان "جریانیهای مرعوب" نام می برد. روزنامه کمپان در شماره ۶۹/۲/۱۲ مقاله ای به قلم حسین شریعتمداری تحت عنوان "مذاکره یا معامله؟" چاپ کرده که در آن مهاجرانی با سرجانی مقایسه شده است. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز ۶۹/۲/۱۲ نیز مقاله ای تحت عنوان "از نکته تا دیدگاه" چاپ کرده است. از اینگونه مقالات که شدت به مدافعان رابطه با

طی ماه گذشته، دارودسته رفسنجانی برای خارج شدن از انزوای بین المللی به تلاشهای دیپلماتیک خود افزوده اند. در این تلاشها که همواره از موضع ضعف صورت می گیرد، رژیم می گوید تا با نزدیک شدن به کشورهای منطقه خلیج فارس و خاور میانه و کشورهای اروپایی، موقعیت خود را بهبود بخشد. بخصوص اینکه دارودسته رفسنجانی از نزدیکی روسه افزایش کشورهای عربی به عراق کاملا به وحشت افتاده اند. در این رابطه دیپلمات - تروریست های رژیم در اینجا و آنجا چهره انعطاف پذیر به رژیم می دهند. اما در بین خود رژیم بحث ها و جدال های زیادی بر سر اینگونه روابط وجود دارد. این بحث بسا مقاله "مذاکره - مستقیم" شدت بیشتری پیدا کرد.

اظهارات دیپلمات های رژیم با مخالفت شدید باندهای مخالف روبرو می شود. در موافق آنسان را مجبور به پس گرفتن حرفشان می کند. برای مثال علی محمد بشارتی قائم مقام وزیر امور خارجه در تاریخ ۶۵/۲/۱۱ طی مصاحبه ای در ابوظبلی که متن آن در کمپان هوایی شماره ۸۷۷ (۶۹/۲/۱۹) چاپ شده می گوید: " ما می توانیم مشکلاتمان را با عربستان در محیطی آکنده از تفاهم متقابل حل کنیم. " و همچنین " امکان از سرگیری رابطه با مصر از طریق مذاکره را " عملی دانست. بشارتی وقتی به ایران برگشت، حرف هایی که در رابطه با مصر زده بود را مینتخا... واعظی معاون وزیر امور خارجه در امور اروپا و آمریکا در مصاحبه با تهران تایید کرد. انگلیسی زبان که سخنگوی جناح حاکم در وزارت امور خارجه رژیم است گفته است که " برای ما در راه بهبود روابط با کشورهای اروپایی غربی هیچ مسأله ای وجود ندارد. " وی اضافه کرده که: " در حال حاضر ما حتی بنا

## چشم انداز نه جنگ نه صلح

از نظر دور داشت که کنفرانس سران کشورهای عربی به زودی در بغداد برگزار خواهد شد. رفت و آمدهای مقامات دیپلماتیک کشورهای منطقه و نیز تلاشهای دیپلماتیک رژیم که چند نمونه آنرا بطور جداگانه به اطلاع خوانندگان نبرد خلق خواهیم رساند، نشان می دهد که در رابطه با سئاله حالت نه جنگ، نه صلح سببست یک مقطع حساس نزدیک می شویم. در این جای تردیدی نیست که رفسنجانی اگر بخواهد گام اساسی در این رابطه بردارد، باید خودورژیمش جام زهر دیگری بنوشد. این هم برای رفسنجانی مسأله بسیاری خواهد آفرید و هم جناح مخالف او را شدیداً تحریک خواهد کرد. بهر حال رژیم در جنگ شکست خورده و با باید به پای آن را به قیمت تسلیم بپردازد. در این بها در هر صورت چیزی جز این نخواهد بود که رژیم از قرارداد الجزایر دست بشوید. کمپان هوایی در شماره اخیر خود، با درج حالت های مختلف، نظرات گوناگون مختلف درون رژیم را منعکس کرده که از نظراهمیتی که این مسأله در روابط کمونی دارد، متن کامل آن برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می شود.

کمپان هوایی شماره ۸۷۷ - صفحه ۳۳  
چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ - ۵۰۲ - ۱۹۹۰

# مقاله

## «جریانیهای مرعوب» و راه حلهای سازشکارانه

ازاد شدن اولین گروهان آمریکایی از سوی سازمان جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین، سرفصل جدیدی در مصاحات سیاسی داخلی و خارجی می شود. صرف نظر از این مسأله که غرب برای اولین بار گروگانگیری دولتی را در لبنان باب کرد، اصولاً به مسأله گروگانگیری از دو زاویه کاملاً متفاوت می توان نگریست: اقدامی از روی استحصال از جانب مستلهم تحت سلطه قدرتها و امری در خدمت اهداف دولتها. طبعاً شق دوم از آنجا که دولتها

تلاشهای گوناگونی برای طرح نظرها و پیشنهادهای خود دارند کاملاً مفروض است. اما آیا به همین سرحیات می توان در ارتباط با ملت های به افغان آمده از فشارهای قدرتهای مسلط بر جهان تفاوت کرد؟ اقدام سازمان جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین به دلیل احترامی که برای ایران به عنوان توجیهات مستلهمی منطقه قائل است، کاملاً قابل درک و واکنش دو جوان در برابر این حرکت قابل تأمل است. اما آیا واکنش واشنگتن چنانکه بعضی در داخل کشور انتظار آنرا ایجاد کرده بودند نشانی از کمترین حسن نیت متقابل دارد؟ دو حرکت اخیر آمریکا در تصویب قطعنامه ای در مورد بیت المقدس و اعطای مدال شجاعت به فرمانده ناو وینستنس که به خاطر قتل عام ۲۹۰ انسان مستحق محاکمه و اشد مجازات است چه چیزی را به اثبات می رساند که سادماندیشان یا کسانی که خود را به تعامل می زند پیشقدم مغنم بشمرند فرصت برای گفت و گوی مستقیم را می دهند؟ در حالیکه وزیر خارجه ایران متقابل گروگانهای ایرانی را در اولین واکنش خود در قبال آزادی گروگان آمریکا مطرح می سازد چگونه است نشریه ای که صد های آنرا وابسته به جناحی در وزارت خارجه معرفی می کنند مجدداً آزادی یک گروگان دیگر را درخواست می کند؟ و یا زمانی که وزارت خارجه بر نوع تعاملی برای تجدید رابطه با دولت مصر را رد می کند یا این استدلال که همه ملت ها در زمینه های فرهنگی به یکدیگر نزدیک می شوند و اذانه خصومتها برای هیچکس سودی دربر نخواهد داشت احتمال برقراری روابط سیاسی میان تهران و قاهره را مطرح می سازد. همچنین طرح ادعای سفر معاون وزیر خارجه ایران به سانگاو برای شرکت در مراسم انتقال قدرت از اوگتا به چامورا آیا به منظور انقاي ایجاد چرخشی در سیاست خارجی ایران دنبال می شود؟ کسانی که با چنین مهارتی به کار مشغولند بعد از سیولای پرونده تبلیغات و چار و چنگال غرب وحشت کرده و اکنون برای مصون ماندن از این تهدیدات به گالغ سفید نظر نمائند. بسکه زمینها را باید در جای دیگر جستجو کرد، اگر ایران قرار بود به راه حلهایی چون مذاکره مستقیم با آمریکا به قیمت گستر آلودگی ارزشهای اعتقادی و تغییر مواضع سیاسی توسل جوید قطعاً باید در شرایط جنگی که غرب مستحقترین تسلیحات را برای در هم شکستن مقاومت ایران در اختیار عراق قرار می داد، به این امر توجه می کرد. اما اکنون که تسولات جهانی نوسید شکسته شدن فریب لوفوع سلطه مطلق آمریکا را می دهند و آینده جهان به محور اقتصاد خواهد چرخید و کشورهای مختلف به خاطر حضور فعال در این رقابت با برقراری روابط اقتصادی از یکدیگر پیشتر خواهند گشت، فرصتی در مواجهه با آمریکا ما را به فراموشی اصول خود سوق می دهد؟

جریانیهای مرعوب غرب تحلیل درستی از فرستهای ایجاد شده ندارند در مقاطع مختلف انقلاب زمینها برای بیرون رفتن ما هستند فراموش می شوند گمانا اینکه تاریخ کوتاه انقلاب بهترین سوابق این مدعاست.



### مسائل نیکاراگوئه

بوسون ۲۰ آوریل ۹۰

مقاومت نیکاراگوئه نمایندگی کنترها و دولت ساندینیست در ۱۹ آوریل بر سر اصل یک آتش بسس و جمع شدن نیروهای شورشی در ۵ منطقه امنیتی گسه سلاحهایشان را بر زمین خواهد گذاشت، به توافق رسیده اند اما وجود این باید تصریح کرد که جنبه های "تکنیکی" این توافق "حقیقی و قطعی" توصیف شده اند.

برزیدنت دانیل اورتگا از جانب خود در روز چهارشنبه اعلام کرد که "حتی اگر کنترها در کوهستانهای شمالی کشور خلع سلاح نشوند، او به روز قرار گذاشته شده پایبند خواهد بود." او گفت: "روز ۲۵ آوریل، من شال ریاست جمهوری را به ویولنتاباریوسر دوشامورو خواهم داد و او رئیس اجرائی خواهد شد، چه جنگ در کشور ما ادامه داشته باشد و چه به پایان برسد."

اتحاد رهبری شده توسط خانم "ویولنتاشامورو" رئیس دولت انتخابی، که چهارشنبه ۲۵ آوریل کنار خود را شروع خواهد کرد، تنبیه یک زن دیگر را برای اشتغال در یک پست کلیدی، ریاست مجلس جدید انتخاب نمود.

در بی چندین ساعت مناظره و سباحته بر هیاهو ۵۱ نماینده اتحاد ملی اپوزیسیون که اکثریت جدید را تشکیل می دهند، خانم میریام آرگلو وکیل ۶۳ ساله راه آقای آلفردوسزار ترجیح دادند. آلفردوسزار عموما بعنوان یکی از نزدیکترین مشاوران خانم شامورو به حساب می آید، خانم آرگلو که ۲۸ رای در مقابل ۲۳ رای را از آن خود کرده است و حزب محافظه کار را رهبری می کند، موافق یک موضع محکم در مقابل ساندینیستها می باشد. تعیین او روز قبل از رسیدن اولین دسته سربازان سازمان ملل متحد که وظیفه خلع سلاح نمودن شورشیان کنترها و کنترل آتش بسس با ارتش ساندینیست را به عهده دارند، بود.

رهبران کشور آمریکا مرکزی پس از دوروز مذاکره و گفتگو روز ۳ آوریل ۹۰ در مورد خلع سلاح کانترها به توافق رسیدند. طبق این توافق خلع سلاح کانترها تا تاریخ ۲۵ آوریل، روزی که جاسورو برای رئیس جمهوری سوگند می خورد، در دستور کار قرار گرفت. و از آمریکا خواسته شد که پس از این کمکهای خود را از طریق نظارتگران بین المللی به آنها برساند. بنا بر گفته ساندینیست ها هم اکنون ۸۰۰ نفر از کانترها در داخل نیکاراگوئه بسر می برند. در ایمن توافقنامه خواسته شده است که کانترها چه آنهایی که در جنوب هندوراس هستند و چه آنهایی که داخل نیکاراگوئه می باشد خلع سلاح شوند اما کانترها ستغفند که ساندینیست ها کنترل ارتش و پلیس را در اختیار دارند و تا زمانی که قدرت کاملا به چامارو سپرده شده آنها سلاح های خود را بر زمین نخواهند گذارد.

در ۲۷ مارس امسال، توافق بین ساندینیست ها و چامارو صورت گرفت که طبق آن ساندینیست ها

موافقت کردند که "ارتش متعلق به هیچ گروه سیاسی نباشد و اعضا آن قادر به حفظ رده های رهبریت خود در رجهبه ساندینیست ها نباشند." در عوض دولتست چامارو هم موافقت کرد که رده های فعلی موجود در ارتش را بر سمیت بشناسد. این توافقات از طرف رهبران امریکای مرکزی مورد حمایت و تشویق قرار گرفت.

همچنین در این مذاکرات قرار شد که مذاکرات صلح جداگانه ای در مورد صلح در السالوادور انجام گیرد. روز چهارشنبه ۴ آوریل مذاکرات بین دولتست السالوادور و جنبه آزادی بخش فارابوندومارتی درزنو و تحت نظارت خاویر پیرزده و کوشیلار شروع شود.

در همین روز جیمز بنگر وزیر امور خارجه آمریکا از کنگره و بوش، رئیس جمهور، خواست که به جنگ ۱۱ ساله السالوادور خاتمه داده شود. یک مقام بالای وزارت خارجه گفت که نیروهای مخالف دولتست السالوادور باید بطور جدی به مذاکره، بپردازند و امید به قطع کمک آمریکا به السالوادور از طرف کنگره نداشته باشند. کنگره آمریکا بنازگی در مورد نقش حقوق بشر در السالوادور ابراز نگرانی کرده است زیرا دولت کریستینیاسی اعلام کرده است که طبق قانون السالوادور نمی توانند کلنگلی را که در قتل ۶ کشیش و خدمتکار آنها و دخترش دست داشته است محکوم کند.

### اخبار و رویدادها...

از صفحه ۴

قانونی ندارد و "تنگر اعلام مشکلی ندارد. حالا من می گویم اینه مرکز را رنگ بزنند." آقای رجوی در ادامه این تلگرام نوشت: "ملاوه بر این، بر حسب اطلاعات مقاومت ایران هادی نجف آبادی (سفیرسنجانی در امارات متحده عربی و حامی صلح پناهمای خصوصی ویژه او) و آخوند زاده از چهار روز پیش برای هدایت طرح ترور دکتر رجوی و کمک به سپروس ناصری و ملائک (سفیر رژیم خمینی در برن) به زنو رفته و قرار بود همین امروز با پرواز ساعت ۱۵/۱۸ از طریق ایران ایر به تهران برگردند. خاطر نشان می کنم که افراد نامبرده از مپرده های شناخته شده تروریسم صادراتی رژیم شد بشری خمینی می باشند. ملائک از مسئولان تروریسم رژیم خمینی در لبنان و از عناصر فعال دانشجویان موسوم به خط امام در جریان گروگانگیری اتماع آمریکا در سال ۱۹۷۹ در تهران بوده است."

رهبر مقاومت در پایان تلگرام خود به رئیس کنفدراسیون سوشلس نوشت: "میدارم با جدیتی که دولت شما متذول خواهد نمود، مردم و مقاومت ایران احساس هیچگونه اهتال و چشم پوشی از سوی دولتست ویلیس سوشلس نمایند."

### تلاشهای میپلماتیک رژیم از موضع ضعف

از صفحه ۹

کشورهای نظیر عربستان، مصر و ۱۰۰ حمله می کنند، در مطبوعات رژیم هر روز چاپ می شود و این گویسای این مطلب است که باید رفسنجانی نمی تواند بسا وجود جناح "حزب الله" کارهای مربوط به مناسبات بین المللی را پیش ببرد. مقاله کیهان هوایی در این رابطه بخصوص از این نظر که به چند مطلب اشاره می کند، جانب توجه است که بشن کامل آن را برای اطلاع خوانندگان نیمه خلق چاپ می کنیم.

### درسانه های خبری جهان

از صفحه ۶

دست خود تعیین کنند و من خبشحال خواهم شد اگر خوشبختی خود را در این تلاش بدست آورند. آنجیزی که رخ داد برایم غیرمنتظره بود.

سوال - سرعت تحولات در آلمان دموکراتیک آریسا ناگهانی بود یا قابل انتظار؟

جواب - آنجیزی که رخ داد برایم غیرمنتظره بود و برداشتم در رابطه با سطح معیشت در آلمان دموکراتیک و همچنین پیشرفت اقتصادی و علمی خوب است.

سوال - ناگهانی بودنش کجاست؟

جواب - در سرعت وقوع آن، چون من همیشه با خلق است و باید ما درخواستهایش با او باشیم.

سوال - آیا به عقیده تو الان چنین فرصتی برای متحد ساختن آلمان وجود دارد یا وحدت آن زود است؟

جواب - بنظر من هرآنسان باید آزادی سفروانتقال را داشته باشد. آنان رفاه شخصی را بر همه چیز ترجیح دادند، ولی مجموعه های از مردم وجود دارند که در ارتباط با مپهن و خاکشان هستند. می خواهم به صلح حقیقی اشاره کنم، آنجیزی که در آلمان دموکراتیک رخ می دهد خوشبختی به مفهوم خاص خود نیست.

سوال - از موضع نزدیکی به رهبر شوروی، میخائیل گورباچف آیا ممکن است در رابطه با امور شوروی که وی در پی درمانش است برایمان بگوئی؟

جواب - من دوبار در هفته با گورباچف ملاقات می کنم و طبیعی است که مشکلات زیاد است. ولی من به عنوان یک اقتصاددان اعتقاد دارم که مهمترین مسئله نگرانی که ذهنش را اشغال می کند، ترسیم و رفع اشکالات و همچنین کارایی اقتصاد است. علاوه بر مسئله ملی، و در این دیدارها ملاحظه کردم که اهمیت استثنایی به عامل زمانی می دهد و کاربرد وسیه خدمت گرفتن آن به شکل علمی را نیز اولویت می دهد.

سوال - آیا به اعتقاد تو رهبر شوروی در راه خود پیروز خواهد شد؟

جواب - من به این ایمان دارم چون این سیاستی که دارد پیش می برد، سیاست مشخص او نیست بلکه سیاست جواب دادن به مصالح مردم شوروی است و من به پیروزی پرورستریکا خوشبینم.

### انتخابات رومانی

نخستین انتخابات آزاد در رومانی در تاریخ یکشنبه ۲۰ مه جاری برگزار گردید. در این انتخابات ایلیسکو رئیس جمهور رومانی که از طرف جنبه نجات ملی کانیداد شده بود با بدست آوردن ۸۶ درصد آرا به پیروزی قاطع دست یافت. جنبه نجات ملی رومانی که بعد از سرنگونی چائوشسکو قدرت را در رومانی در دست داشت با بدست آوردن این پیروزی به اکثریت کرسی ها در پارلمان نیز دست پیدا کرد. ایلیسکو در اولین عکس العمل خود بعد از خواندن آرا گفت که سیستم حکومتی رومانی بر دمکراسی و پلورالسم سیاسی استوار خواهد شد و توتالیترسیم را پشت رد کرد.



## مقاومت پیر و زاست

از صفحه ۷

طرف بشود کشته، سود او ضرر اسلام است - و از طرفی حتی هم با این شیوه به صاحب حق نمی‌رسد - حقیقتاً ناطق نوری خوب گفته است - مردم از اینکه آخوندها اینگونه بجان هم افتاده‌اند، بسیار شاد می‌شوند زیرا در شرایطی که رژیم با انواع ترغندها و وسایط‌های ضد مردمی، خنده را از مردم بریده است، این جنگ و دعوی آخوندها حقیقت شادی آور است - مضحك اینست که ناطق نوری روزنامه وابسته به جناح او هر جا که می‌نقش ایجاب می‌کند، حرفهای خودش را با اجبار نفی می‌کند چیزی که ناطق نوری نمی‌فهمد، اما بر اساس هم طبقاتی بدان عمل می‌کند، اینست که دعوی درون رژیم چیزی نیست که بتوان با وعظ و خطابه و فرمان به صلح تبدیل شود - وقتی خمینی نمی‌توانست جلوی فحاشی آخوندها نسبت به هم را بگیرد تا جاییکه بعضی وقتها به خود او هم بطور ضمنی حملات می‌کردند، او سیاست حذف و سرکوب را پیش می‌برد - اکنون در مقابل رژیم درمانده خمینی نیز راهی جز ادامه جنگ و دعوی تا گورستان موجود نیست - تازه ساله اصلی دعوی که بر سر "مذاکره مستقیم" و "مذاکره غیر مستقیم" نیست، ساله اساسی، موجودیت این رژیم است که بعلمت سیاستهایی که ذاتی خود رژیم است هر روز بیشتر از روز قبل به زیر سوال می‌رود - و گرنه گردانندگان رژیم اگر با امریکسا "مذاکرات" راستقیما ادامه نمی‌دهند، زیربومده همه گونه مناسبات با "شیطان بزرگ" در جریان است - تازه "شیطان بزرگ" خود در خدمت "بانک جهانی" است و "بانک جهانی" در خدمت شیطان بزرگ و عدلی جنایتکار رئیس کل بانک مرکزی رژیم در ماه گذشته با سلام و صلوات فراوان دروازشگشایی یعنی سرگرد شیطان بزرگ) بطور جداگانه با مدیرعامل "مندوق بیسن - المللی پول" و "رئیس بانک جهانی" ملاقات کرد و سلما این مدیر عامل‌ها هم به عدلی همان حرفی را زده‌اند که حتی کرمانی در روزنامه اطلاعات روز ۱۵/۲/۶۹ بیان کرده است - "حتی کرمانی می‌گوید: "چون امام این جام را برکشید، بچه‌ها هم با کمال سختی این جام را سرکشیدند، دنبال امام، الان هم همین است - الان هم رهبران انقلاب ما و نظام ما مواجه با یک سری مسائل می‌شود که باز باید جامهای زهری را سرکشید -"

حقیقت اینست که بر سر ساله رابطه با امریکسا، باند رفسنجانی حاضر است، بجای "جام"، "بشکه" زهر بنوشد - اما حقیقت دیگری هم وجود دارد و آن وجود هرم ولایت فقیه با دسته بندیهای درونی است - این هم که پس از مرگ خمینی، بدون سروصحر گذشته، سرنوشتی جز تلاشی و ناپابودی ندارد - این هم باید در گمروار تشادهای درونی بوسیله مقاومت انقلابی سرتیگون شود - زیرا صف بندی نیروهای داخلی اش، از نظر سیاسی و نظامی بشکلی است که رفسنجانی قادر نیست این دسته بندی‌ها را بشکل مسالمت آمیز بنا غیر مسالمت آمیز حذف کند و در هر صورت به قول ناطق نوری "زهر طرف که گشته شود" بسود مقاومت و جنبش مردم است - البته رفسنجانی جنایتکار می‌تواند در آرزوهای خود، حاکمیتی یک پارچه که هم

## درسوگ عاشقی بیقرار

از صفحه ۵

نموده، آن "روشنفکران" فلاکت زده و "کتابی" که برای "ثابت" نمودن "وضع موجود" تمامی اشکها، لبخندها، امیدها، تلاش‌ها و عشق‌ها را با چند جمله نفی می‌کند، قبل از آنکه یک "روشنفکر" بمعنسی "مبارز راه آزادی" باشد، "عاقبت جوان" بی مایه‌ای هستند که باید سرهم با حقوق بازبستگی خسود را دریافت کنند - اما آنکه اشکها و لبخندها، سر زدن زندگی را بیان می‌کند، آنکه نه در ادعاهای میان تپسی، بلکه در زندگی واقعی گام برمی‌دارد تا آنرا بنحیو مطلوب "انسان" تغییر دهد، و سرانجام آن عاشقی بی قراری که خود را در بند "عاقبت جویی" زندان نکرده است، اعمال و رفتاراش با "منطق"، "عقل" و "تئوری" بر اساس معیارهای "رایج" روز منطبق نیست - اگر دکتر کاظم رجوی آرامش و قرار نداشت و اگر آنجا که شور و غلبان درونی اش نمود پیدا می‌کرد، برای بسیاری غیر "منطقی" می‌نمود، این از سرشت انسانی او ناشی می‌شد - همسرش خانم مشعل بسیار زیبا گفت که "سرنوشت برای او"، "غیر قابل توجیه‌ترین راهها" را انتخاب کرده بود -

سردترین، بی روح‌ترین و خشک‌ترین آدمها هم که قادر نبودند جوهر واقعی او را بشناسند، تحت تاثیر صداقت او قرار می‌گرفتند - اما صداقت او نیز از بسک "فرومول" معینی در "کتاب" معینی ثبت شده باشد و هر کس بتواند با "صفت" بدان، از آن برخوردار شود

تبعیت نمی‌کرد - نمی‌خواهم از او یک انسان بدون عیب و ایراد بسازم - هرگز! او یک انسان بود - انسانی که بین دو بینهایت "توانایی" و "اناتوانی" به شرایط مشخص زمان و مکان خود محدود و مشروط می‌شود - قدرت او در زنده نگه داشتن عشقش بود - اگر او خود بسک انسان مطلق و بدون خطا اعتقاد می‌داشت، هرگز نمی‌توانست این راه را "به کپکشان" به بیکران، به جاودان" طی کند - اگر توانست بخاطر این بود که از "توانایی" خود برای "تغییر" این محدوده‌ها و این شرایطی که انسان تلاش گر برای رهایی را دربر گرفته، استفاده کرد چون از صداقت یک انسان خرافاتمند برخوردار بود، نمی‌خواست ان بخش از تواناییهای جاذبه آفرینش را برای "نمناحب" چیزی، برای خسود بکار گیرد و آنرا در مقابل آن رزمندگانی که پیشاهنگ مبارزه برای رهایی هستند، بکارگیرد - بدین جهت هر جا که بنظر خودش به "خطا" رفته بود، با صمیمیت بدان اعتراف و می‌گوشید تا آنرا تصحیح کند و این خود ربابا هم در تعمیق عشقش نشان می‌داد - رژیم آخوندی و مدافع جهل و نیستی، توانست او را از مس بگیرد - اما هرگز قادر نیست جوهر هستی، فلسف و هستی و شور هستی را از جنبش مقاومت بگیرد و تا وقتی شراره‌های خشم مردم، خود را در وجود جانبا زالی همچون دکتر کاظم رجوی که عشق آنان "مبارزنده رهایی است و نه تصاحب" شعله می‌کشد، این رژیم خمینی است که شکست می‌خورد و این مقاومت سرفراز مردم است که پیروز می‌شود -

از سیپشت ۶۹

۱۳۶۰/۳/۲۰ - عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و رژیم جمهوری اسلامی توسط خمینی

۱۳۶۰/۳/۳۰ - تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران و حمله اوباشان و سرکوبگران رژیم خمینی به این تظاهرات اعتراضی و شهادت دهها مبارز و میلیشیای مجاهد در تهران و شهرستانها و روز آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

۱۳۶۰/۳/۳۱ - اعدام دسته جمعی تعدادی از زندانیان سیاسی ایران به دستور خمینی - در این روز منجمله رفیق فدایی سعید سلطانپور و مبارز قهرمان محسن فاضل از سازمان پیگار اعدام شدند -

۱۳۶۲/۳/۱۲ - اعدام وحشیانه و دسته جمعی ۵۹ نفر از مردم قهرمان شهید توسط مزدوران رژیم خمینی

۱۳۶۲/۳/۱۳ - انجام شبه کودتای باند اکبر کامیابی - حسین زهری علیه خط اصولی در سازمان اقلیت

## روزهای تاریخی

۱ زوش برابر با ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک

## خارجی از ۲۲ تا ۲۱ زوش

۲ زوش ۱۳۴۷ - تشکیل نخستین تشکلات کمونیستی بنام اتحادیه کمونیست‌ها بوسیله مارکس وانگس

۲۸ به ۱۸۷۱ - شکست کمون پاریس، اولین دولت کارگری در جهان و اعدام انقلابیون کمون بوسیله نیروهای ارتجاعی فرانسه

۱۴ زوش ۱۹۲۸ - تولد رفیق ارتستوچه گوارا

۱۸ زوش ۱۹۵۴ - کودتا علیه دولت ملی آرمیندر گواتمالا توسط امپریالیسم امریکا

۲۵ به ۱۹۶۲ - تاسیس سازمان وحدت افریقا

در صفحه ۴



پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری



**اخبار و رویدادها....**

**انتفاضة پیش می‌رود**

از ۱۹امه امسال باکشته شدن سه جوان فلسطینی و زخمی شدن چند فلسطینی دیگر توسط پلک جیوان اسرائیلی، بار دیگر "انتفاضة" اوجی تازه یافت. بعد از اینکه اسحاق شامیر کلیه پیشنهادات مذاکره را رد کرد، با این پیش آمد، فلسطینیان مناطق اشغالی در نوار غزه و مناطق اشغالی دیگر به دستور یاسر عرفات به خیابانها ریختند و تظاهرات خود را از سر گرفتند. به گزارش خبرگزاری ها در کشور اردن هاشمی تظاهرات اعتراضی فلسطینیان بر علیه اسرائیل گسترش یافت. سربازان اسرائیلی با شدت وارد عمل شدند و به سرکوب تظاهرات پرداختند که در اثر این اعمال تعدادی از جوانان فلسطینی دستگیر و تعداد دیگر زخمی گردیدند. جنبش سرزمینهای اشغالی با شرکت تمامی جناحهای فلسطینی شدت ادامه دارد و عرصه را بر حاکمان اسرائیل تنگ کرده است.

**کنفرانس چهار به اضافه دو**

رادیو آمریکا در برنامه روز ۶۹/۲/۱۶ خود اعلام نمود که: "وزیران خارجه آلمان شرقی و غربی و چهار کشور بیروز جنگ جهانی دوم نخستین جلسه رسمی خود را برای بررسی مسئله تجدید وحدت آلمان تشکیل دادند. نائز و وزیر خارجه شوروی این جلسه را بیک روز تاریخ برای اروپا و برای تمام جهان نامید و اعلام داشت: جنگ سرد به پایان رسیده است، مارکس میکسل و وزیر خارجه تازه آلمان شرقی از جلسه بعنوان روزی بزرگ برای آلمان و روزی بزرگ برای اروپا نام برد. میکروویزیا مور خارجه آمریکا گفت: مذاکرات دو آلمان و چهار کشور فاتح جنگ جهانی دوم صرفا باید در زمینه مسائلی اتخاذ تصمیم کنند که به حقوق و مسئولیتهای چهار قدرت مربوط باشد. مسائل خارجی دیگر مانند عضویت در اتحادیههای نظامی و استقرار این نیروها باید در محافل دیگری از قبیل کنوانسیون وین برای کاهش نیروهای غیراتمی در اروپا و کنفرانس هلستینکی درباره امنیت و همکاری اروپا مورد بررسی قرار گیرد. گنر و وزیر امور خارجه آلمان غربی دریابان کنفرانس ۷ ساعته دبروز اعلام داشت که وزیران خارجه ۶ کشور موافقت کرده‌اند که جریان وحدت آلمان بی هیچ وقفه‌ای باید ادامه یابد و وزرای خارجه و وزرای خارجه موافقت کردند حداقل سه جلسه دیگر یکی در برلین شرقی در ماه ژوئن، دیگری در ماه ژوئیه باریس و بعدا رسوم خود را در ماه سپتامبر در مسکو تشکیل دهند. نائز به پیشنهاد کشورهای غربی را برای عضویت آلمان واحد در اتحادیه ناتو رد کرد. آنها موافقت کردند از گریستوف سیکو پیشکی وزیر خارجه لهستان دعوت به عمل آورند. در جلسه باریس که در آن مسئله ضمانت های مرزهای غربی لهستان مورد بحث قرار خواهد گرفت، شرکت کند لهستان

در صفحه ۲

**برخی از رویدادهای تاریخی**

**خرداد ماه**

۱۲/۳/۱۲۹۹ - سالروز اعلام جمهوری گیلان توسط میرزا کوچک خان  
 ۱۰/۳/۱۳۱۰ - تصویب قانون شد کمونیستی معروف به قانون سپاه توسط رژیم رضا شاه  
 ۲۹/۳/۱۳۲۹ - خلع پد از شرکت نفت انگلیس توسط دولت ملی دکتر محمد مصدق  
 ۲۲/۳/۱۳۳۸ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ نفری کارگران کوره یزد - خانه‌های تهران و شهادت ۵۰ کارگر کوره پرخانه در یورش مزدوران رژیم محمد رضا شاه به اعتصاب کنندگان  
 ۱۵/۳/۱۳۴۲ - قیام خونین مردم تهران علیه دیکتاتوری شاه  
 ۲۰/۳/۱۳۴۹ - شهادت آیت الله سعیدی در شکنجه گاههای رژیم شاه  
 ۴/۳/۱۳۵۱ - اعدام بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، شهیدای قهرمان محمد حنیف نژاد - سعید محسن علی اصغر بدیع زادگان - رسول مشکین فام و محمود عسگری زاده توسط مزدوران رژیم شاه  
 ۲۵/۳/۱۳۵۲ - شهادت مجاهد قهرمان رضا رضایی در درگیری با مزدوران ساواک شاه  
 ۱۵/۳/۱۳۵۷ - درگذشت کازک عزیز یوسفی از مبارزان بی‌باک دوران سپاه دیکتاتوری شاه پس از آزادی از زندان  
 ۹/۳/۱۳۵۸ - سرکوب خلقی حزب درخوزستان ایران توسط رژیم خمینی به فرماندهی امیر شاهنشاهی سید احمد مدنی (جهادشینه سپاه)  
 ۱۵/۳/۱۳۵۹ - اعلام تعطیل رسمی دانشگاههای ایران کشور و هجوم مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به خوابگاههای دانشجویان دانشگاهها در ادامه اقدامات ارتجاعی موسوم به انقلاب فرهنگی  
 ۲۲/۳/۱۳۵۹ - برگزاری میتینگ بزرگ توسط مجاهدین

در صفحه ۱۱

**NABARD E KHALGH  
NO: 71**

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090  
U.S.A

آمریکا

HOVI AT  
POST RESTANTE  
MINERS GADE 11B  
2200 DANMARK

دانمارک

P.L.K  
Nr. 039999 D  
5000 KÖLN 1  
W. GERMANY

آلمان غربی



در برابر تکراری استبداد  
خاله را روشن می‌کنند  
وهی می‌بندد

**شهیدای فدایی  
خرداد ماه**

رفقا: حسن نیک داوودی - امیر پرویز بویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرونیبری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - بریم شاهی - خسرو ترکل - حسین سلاخی - مینا طالب زاد - شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بنام - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت باشعور - سعید سلطان پور - مازنا کاظمی - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (دره‌اند) - محمد رضا حمیدیان بابا علی آنگاک رشید - حمید میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر اویسی - جعفر قنبر نژاد - بهنوش آفرینان - طوسی سالهای ۴۹ کتون در خرداد ماه در درگیری با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع شهادت رسیده و یاد زندانیهای درخیمان ستمگر شاه و خمینی اعدام شده‌اند.

**در تکمیل روتوزیع  
آثار سازمان  
بکوشید**

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

لطفا بسته های  
بزرگ و نامسه  
یغارشیه  
آدرس فرانسه  
ارسال ننمائید.

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میبایست مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیما بدست ما برسانید و ما به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبضه رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس مندرج یعنی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

**حساب بانکی**

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک  
BOULOGNE - 5 - SEINE آدرس بانک  
03760 که گیشه

00050097851 شماره حساب

MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب